



دولت جدید آقای علاء

در این هفته برای اعتماد میگیرند

بما نظر دیروز و امروز آقای علاء نخست وزیر در مورد تشکیل کابینه جدید خود مطالباتی آغاز نموده و با چندی از وزرائی که در کابینه جدید...



آند پشته . . .

برای معرفی کابینه و تنظیم برنامه دولت

فردا، دولت جدید بحضور رهلو گانه و میبیس به مجلس سنا معرفی میشود

جریب معرفی کابینه و گفتگو در باره برنامه دولت و اخذ رای اعتماد از مجلسین

امروز آقای علاء طی مصاحبه کوتاهی خبرنگار ما گفت:

مبارزه با افیون و الحاق ایران به پیمان بغداد

مهمترین و اساسی ترین اقدامات دولت در یکسال گذشته بود

اگر افغانستان در تجارت بین المللی تریاک صاحب سهم شود راه قاچاق تریاک با ایران باز میشود

امروز وزرا چه میگردند؟

ظهور دیروز، پس از آنکه آقای علاء استعفا خود را بحضور ملوکانه تقدیم داشت بلافاصله او امر شاهانه برای صدور فرمان مجدد زمامداری به آقای علاء شرف صدور یافت و آقای علاء مجددا مأمور تشکیل کابینه شدند.

انجام کارهای معوقه

ابتدا سرآقای علاء نخست وزیر رفیق ایشان گفتند معمولاً در روزهای جمعه بکارهای شخصی خود میپردازند و جواب نامه های خصوصی را که در عرض هفته برآید برآوردند و بر اثر کثرت کارهای ملکی موفق نوشتن آن نشده ام.

فردا لیست ملتزمین رکاب شاهانه در مسافرت مسکو تکمیل خواهد شد

امروز یک مقام مطلع اظهار داشت: لیست ملتزمین رکاب اعلیحضرت همایونی در سفر مسکو و هم چنین برنامه پذیرائی از مأمورین تبه و بتصویب شاهانه رسیده است.

دو وزیر جدید در کابینه جدید

قرار است در کابینه جدید که فردا بحضور ملوکانه معرفی میشود آقایان عباسعلی آشتیانی استاندار فعلی آذربایجان سمت وزارت دادگستری و سنا و محمود ماضی «مصدق الدوله» معاون وزیر کشاورزی به شصیت کابینه در آید.

بی مناسبت نیست که خواننده محترم را با این دو وزیر کابینه آشنا کنیم:



وزیر کشاورزی



وزیر دادگستری

شرح در صفحه هشتم

کنفرانس کارشناسان کشاورزی و اقتصادی پیمان بغداد روزهای سی ام خرداد و چهارم تیر در تهران تشکیل خواهد شد

روپاست هر دو کنفرانس با آقای انتهاج خواهد بود و از هر یک از کشورهای عضو پیمان دو کارشناس بجهت آن اعزام شوند.

قالی اهدائی شاهنشاه بمسجد مسلمانان واشنگتن رسید

چندی پیش اعلیحضرت همایونی یک قالی بزرگ و نفیس و چندین قالیچه قبیله کوچک بمسجد مسلمانان واشنگتن اهداء کردند.

مراسم قرعه کشی سال ۳۲۴ صندوق پس انداز ملی

دیروز عصر در محوطه بانک ملی مرکز انجام گرفت

نمرات برنده و اسامی برندگان جوایز ممتاز

از ساعت سه بعد از ظهر روز گذشته مراسم قرعه کشی صندوق پس انداز ملی آغاز شد بدین مناسبت عده زیادی از اهالی بایخت از زن و مرد و بیرون جوان کردو نه توسط طفل مزبور مطابق جدول منتظر آغاز قرعه کشی بودند.

کنگره استانداران در راه آهن

شهر مهران در شمال بندر شاه ساخته خواهد شد



مقارن ظهر دیروز کنگره استانداران با حضور آقایان علمو و دکتر بقیه در صفحه ۸

اژدر سیاه روی تشک کشتی ظاهر شد

جولونی برای پرداخت سه میلیون دلار مالیاتی که بدولت آمریکا بدهکار است باین مسابقه تن در داد

این جولونی کشتی گیر، دیگر آن جولونی بو کسور نیست!

«آلینا ارنان» در شهر واشنگتن «جولونی» در مقابل بازنده هزار سیاه پوست حریف صدوده کیلویی سفید پوست خود در انبام «کوبوی» در مسابقه کشتی که طرفین همه نوع ضربیه ای میکردند زنده بداردی «جولونی» - والکوت مغلوب کرد جولونی که دنباب «اژدر سیاه» لقب دده بود برای پرداخت سه میلیون دلار مالیاتی که بدولت آمریکا

شهر دار تهران گفت: دلم میخواد شهر داری را درهم بکوبم اما...

ساعت پنج بعد از ظهر دیروز آقای منتصر شهر دار تهران طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

در چند روز اخیر عده ای از نگاهبای بنوان فروش اراضی جاده سوم تهران - شیران مبالغی از مردم کلاهبرداری میکردند و شهرداری که بر این امر واقف شده بود دستور جلوگیری از کار آنها را صادر کرد.

همانطور که مطبوعات نوشته اند بقیه در صفحه ۸

حوادث مهمی که در ۲۴ ساعت گذشته در تهران روی داده است

کودکی بقصد کشتن عنکبوت چانه پدرش را با قدش کشتن شکست پدر که اکنون در بیمارستان بستری است این عمل طفل خود را نمونه گاهلی از هلاک فرزند به پدر میدهد اندا

کودک دیگری یک استکان (مرکور و روم) را بجای سر که شیر به باشتهای کامل سر کشید مردی که برای رهایی از چاقی شیر میکشید در صور آخ آب گیر کرد و گرفتار شد

نشانه علاقه پدر علی فرزند سه ساله آقای مقیمی هدایتی کارمند شرکت نفت بسیار شیطان و تش بود بطوریکه تمام پیچهای کوچک «معدنی» از دست او بیفتاد آمده بودند و بدون چون و چرا فرمای این کودک را اطلاع میکردند.

ولی در همین کشاکش بکمر تبه ملاحظه میکند عنکبوتی بزرگ از گردن پدرش بالا آمد و دست صورت او متوجه شد.

علی که شدت از عنکبوت میترسید بقیه در صفحه ۸

Children's section with illustrations and text: 'آخرین کیشیم ماه برای شوهر خود', 'اطلاعات ماهانه تهیه کنید', 'شماره تیر پس فردا منتشر میشود'.

Advertisement for 'چاک جهان' (Chack Jahan) with the text 'مورد اطمینان'.

اخبار سی سال پیش



هفته سوم خرداد ۱۳۰۶

معاونت ریاست وزراء نظر بامتداد کمالی که آقای رئیس-الوزراء در کارهای اداری باقای رهنا داشتند و با امتحانات عدیده‌ای که از ایشان در موقع کار بنصه ظهور رسیده است روز گذشته آقای رئیس‌الوزراء ایشانرا بست معارف خود انتحاب و مین نمودند و امروز هم در ضمن امتداد امالی که از کابینه ریاست وزراء با ادارات صادر گردید سمت ایشان ابلاغ شده است.

رای اعتماد بدولت - پس از بحث و گفتگوی زیاد نسبت بیروگرام دولت در مجلس شورای ملی، باورده بیروگرام مزبور رای گرفته شد - ۱۰۲ نفر عده حضار با اکثریت ۹۳ ورقه سفید تصویب شد. منتهمین بقرار ذیل بودند: مدرس - دشتی - مستدالتولیه - بهبهانی - بیاد - معظی - ثابت - دکتر مصدق - تقی زاده - فیروزی آبادی.

اشل حقوقی - بر حسب اطلاعی که قبلا داده شده بود عصر روز پنجشنبه کیسیون بودجه با حضور آقای رئیس‌الوزراء و سایر آقایان وزراء برای تجدید نظر در ابرار سابق کیسیون نسبت بکسراشل حقوق تشکیل گردید. از طرف دولت اظهار شده است که کسر اشل علی نیست زیرا اشل فعلی حقوق حد متوسط است و اگر حقوق دوسا و مستخدمین درجه اول کزاف است بهتر اینست که بوسیله تجدید نظر در ماده سوم قانون استخدام کشوری آفرا ترمیم کرد زیرا کسر اشل بیشتر متوجه مستخدمین طبقه سوم خواهد شد. بالاخره در نتیجه مذاکرات زیاد مقرر گردید اسمال اشل حقوق همان ۳۲ تومان باشد.

فتح اردوی دوامه - بر طبق آخرین اطلاع واصله اردوی دولتی (ستونهای قوای اعزامی از شمال غرب و غرب) تله کوه ندامان را که آخرین نقطه سرحد بین ایران و عثمانی است و یکی از مشکل ترین و مستحکم ترین قلاع و در تصرف متدین بوده است فتح و متدین بکلی متوازی و فرازی گردیده است.

هزه خوانی بابل - در ناحیه ۱۰ شهر نو عده‌ای تنزیه میخوانند و در عروس شمشیر در دست یکی بیل بوده در حالیکه بیل را حرکت نموده سر بیل جدا شده و بفرق محض نام خورده سرش می شکند - میروح پسه صحیه نظمیسه حمل و تحت ممالجه قرار گرفته است.

اعدام قاتل - از شیراز اطلاع میدهند که باقر نام قسائی که مدتی بود در اصفهان شیراز و نسا مشغول شرارت و کراوات قتل نفس ازوی دیده شده است اخیرا دستگیر و مصلوب گردید.

جمازه و قاصد - نظرباینگه در بودجه اضافه و زارت پست و تلگراف اعتباری برای تاسیس سرویس پستی بین جندق و بیابانک و همچنین کرج به شهریار منظور شده است اداره پست درصدد بر آمده است که سرویس پستی بین جندق و بیابانک را بوسیله جمازه سوار و سرویس پستی بین کرج و شهریار را بوسیله قاصد تاسیس و برقرار نماید.

خودکشی - از یزد اطلاع میدهند که سید مرتضی محصل ولد سید محمد جواد ۲۶ ساله خود را در منزل مصلوب نموده است. پس از ادجاج قضیه بنظریه از جیب مصلوب دوسه طغرا نوشته بیرون آمده مکتوف گردید که حسن نامی معروف به آخوند قدس موسی با مشاراله داشته و برای حفظ شرافت خود مجبور به خودکشی شده است.

حسن جلب بنظمی و با دلائل و استظهارات تعقیرش ثابت و به صد ضرب شلاق تنبیه گردیده است قراست که دوسیه امر پس از تشکیل بدلیه محل رجوع شود.

نزاع و قتل - از سرخس اطلاع میدهند در روز جمعی تیموری دیعقوب خانی با شش یکنفر مقتول و یکنفر زخمی به سرخس آمده اظهار میدارند با اینکه مالیات خود را معمولاً بدلیه بدلیه سرخس پرداخته و قبض رسی گرفته ایم یعقوب علی نام با چند نفر سوار از طرف نایب‌الحکومه زوز آباد به خوراب که آخر خاک سرخس و اول خاک زوز آباد است آمده مطالبه مالیات کرده سکنه فتنه بدو مرتب نماید مالیات بدیم منجر به نزاع گردید یعقوب علی باشوکه میرزا نام تیموری را مقتول و یکنفر را هم زخمی میکند نمش مقتول را پس از مشاهده مأمورین دفن کردند و خود آنها در تلگرافخانه متحصن و به ایالت جلیله تلگرافا منتظم شده اند.



بابل دانشجوی دانشگاه تهران که در سال ۳۰ تهران توسط یکی از هم کلاسان خود بنام آبادیان به حزب خانیان نوده معرفی شده است. در سال ۳۰۳۱ به عضویت کمیته دانشنده انتخاب شده است در حوزه‌ای که رابط آن یکنفر غیر دانشجوی نام مستعار دارم بوده است و علاوه بر این دو نفر دیگر بنام میرزائی و محسنی که هر دو فاخرالتحصیل شده اند شرکت میکردم پس از ۲۸ مرداد به ادای اعمال خیانت کارانه سران خانیان آن بست امروز که مردم ایران خانیان کودک دستاکی سه شرح حال تکثیر این خانیان واقف شده است گروه گروه جوانان فریب خورده هر روز بهتر و بیشتر به حال شکنج آنها بی می برند و از راه گذشته خود اظهار ندامت میکنند و تصمیم راسخ دارند که چیران حطای گذشته خود را در زیر پرچم پر ۱۳۰۴ منشاهی ایران در خدمت بوطن و شاه نمایند.

اینهاست ابرار اداش پور فرزنده اسدالله ششنامه ۱۷۰۳۱ صوره از ۸۲۴۵ ابرار اداش پور

تلگرافچی گفت...

جوانی که بیش از هفده سال از ستین عرش نیکبخت دوان دوان بطرف تلگرافخانه رفت و سراسیمه وارد تلگرافخانه شد و یاد شدیدی در دریا پشت سرش شدت بهم کوفت این تلگرافخانه در «پورت هورن» از توابع ایالت «میشگان» واقع بود.

جوان تازه وارد روی بطرف تلگرافچی کرد و گفت - امروز هوا کی ملایتر شده و پنجهای روی رودخانه شروع با آب شدن کرده است.

تلگرافچی پاسخ داد - در هر حال جز سکوت و آرامش چیز دیگری در اینجا حکمفرمان نیست زیرا از یک ساعت پیش تا کنون حتی یک کله هم باین دفتر مغایر نشده است.

جوان پالتوی خود را بیرون آورد و برف روی کتفهایش را پاک کرد و بطرف دستگاه تلگراف رفت و مدتی با «کلید» تلگراف رفت تا شاید تلگرافی به مقصدی تلگرافخانه «سارینا» در کانادا که یک میل دورتر از آن نقطه واقع بود مغایره نماید ولی کوششهای وی بی فایده ماند و دستگاه گیرنده پاسخ نداد.

سپس روزه تلگرافچی کرد و به «زبان کار» گفت: - سیم ها مرده اند! متصدی از این حرف تکان خورد و از جای خود برخاست بطرف دستگاه رفت تا بر صحت قول جوان تلگرافچی واقف گردد در این هنگام رئیس تلگرافخانه شتاب بردار و دفتر شد و با نگرانی تلگرافچی گفت: - حاد که گویا در روز دو روز خانه «منت» کلیر» اتفاق افتاده و یک کشتی با پنجاهی رودخانه تصادف کرده باید هر چه زودتر به «سارینا» تلگرافی مغایره نامیم زیرا آن شهر تنها نقطه ای است که میتوان از آنجا تقاضای کمک کرد.

جوان تلگرافچی پاسخ داد: - این حادثه هم «مرک» سیمهای تلگراف را ثابت میکند؛ چنه لحظه هرسه نفر خیره خیره بهم نگاه کردند و سکوت وحشت زانی فضای تلگرافخانه را فرا گرفته بود، ناگهان سوت قطار شب که وارد ایستگاه «پورت هورن» میشد سکوت را درهم شکست و با صدای سوت جوان تلگرافچی کلاه خود را برداشت و بسرعت از دفتر تلگرافخانه خارج شد.

دوان دوان بطرف ایستگاه رفت و خود را به لکوموتور رساند و از آن بالا رفت و در کنار راننده لکوموتور ایستاد و در یک لحظه همه چیز را به راننده لکوموتو فرماند جوان تلگرافچی - ناگهان بند سوت قطار را گرفت و شروع بزدن سوتهای کوتاه و بلند کرد. چند لحظه سیر کرد و دور میر به سوتهای قطار را که مانند حروف تلگراف کشید میشد صدای آورد بالاخره از دور با صدای تلگراف آنها با سوت داده شد.

آن جوان صدای سوت طرف را با صدای بلند که حاکمی از خوشحالی و شغف بود چنین ترجمه کرد: - اینجا سارینا. یک کشتی برای کمک بکشتی خورده شده حرکت کرده. مطمئن باشید: کسانی که اطراف وی بودند بی اختیار شروع بکف زدن و هورا کشیدن کردند و وی کلاه خود را برداشت که بنزد رود وی در آن حال با همکار خویش که خود را به ایستگاه قطار رسانده بود مواجه گشت، همکارش دستی به شانه او زد و گفت: - آفرین فرزندان، من پیش بینی میکردم که روزی خواه رسیده که تمام جهان نام ترا بر زبان خواهند راند!

پیش بینی آن تلگرافچی بوقوع پیوست و جوان گنگام چند سال بعد «فوتوگراف» و «برق» را اختراع کرد و یاد کارهای زیادی از اکتشافات و اختراعات ذقیقت دیگری از خود بجای گذارد که نام وی یعنی «توماس ادیسون» را تا بد جاویدان ساخته است.

اژدر سیاه...

نام داشت و چارلی چابلین صحنه کردن آن بود. این شخصی که پرچم دار نسل سیاه پوست بود ریشت و چهار ساعت قبل از مسابقاتش تمام مردم دارایی و سرمایه خود را برای او شرط بندی میکردند اینک برای بدست آوردن پانزده هزار دلار باین مسابقه تن در داده است.

درست بخاطر دارم در مسابقات بوکسی که جولومی ترتیب میداد یعنی خالص او حداقل از چهار میلیون و ششصد و شش دلار سیزمزد این نکته را هم نگذاریم که مردم امریکا با کمال میل و رغبت حاضر شدند که بدهی مالیاتی جولومی را پرداخت کنند ولی او بسا مناعت طبعی که داشت پذیرفت فقط هدی یک کدوک خرما سیاه سیاه پوست را که از طریق صرفه جوئی معادل یک ریال تهیه کرده بود قبول کرد اگر جولومی مطابق مالیاتی که بدهکار است سالیانه چهارصد هزار دلار از عایدی خود صرفه جوئی کند در سن شصت و چهار سالگی بدهکار خود را تصفیه خواهد نمود.

جولومی اکنون یک دختر یازده ساله و یک پسر هفت ساله دارد و بهترین تفریح خود را رفتن سینما و تماشای فیلم های قدیمی خودش را میگذراند.

آگهی مناقصه های آسفالت

خیابانهای شهر و شمیران

شهرداری تهران عملیات نه‌سازی و بی‌سازی و روسازی آسفالتی خیابانها و کوچه های واقع در شهر و شمیران را با شرایط زیر بنقاصه میگذارد:

- ۱- مبلغ کل کار حدود پنجصد میلیون ریال است که به ۳ قسمت مساوی واگذار میشود و مکتب است ۲۵ درصد اضافه و یا کسر شود.
- ۲- مدت انجام کار از تاریخ مبادله بیمان تا اول آذرماه ۱۳۳۵ است.
- ۳- بهای عملیات طبق صورت وضعیت های مامانه تقدأ پرداخت خواهد شد.
- ۴- داوطلبان شرکت در مناقصه میتوانند تا آخر وقت روز پنجشنبه ۳۱ خرداد ماه سال جاری درخواست خود را بدفتر اداره کل فنی شهرداری تسلیم و رسید دریافت دارند.
- ۵- کیسیون تشخیص صلاحیت بیمانکاران در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۲۴ اردیبهشت ۳۵ با توجه بنصیب شورایی فنی شهرو سازمان برنامه و احداث شرایط را از بین داوطلبان شرکت در مناقصه تعیین خواهد نمود.
- ۶- به کسانی که صلاحیت آنها مورد گواهی کیسیون تشخیص صلاحیت قرار گرفته از طرف اداره کل فنی اجازه نامه مشعر بر مشارکت در مناقصه داده خواهد شد.
- ۷- کسانی که اجازه مشارکت در مناقصه داشته باشند با ارائه آن به صندوق اداره کل درآمد و پرداخت مبلغ چهار هزار ریال میتوانند اسناد مناقصه را از اداره کل فنی دریافت دارند.
- ۸- واجدین شرایط پس از مطالعه اسناد مناقصه باید پیشنهاد خود را ضمن دو پاکت الف و ب بشرح زیر تنظیم و تا ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۲۴ اردیبهشت ۳۵ به صندوق هیئت نظارت هزینه شهرداری بپنژانند.

پاکت الف
پاکت الف باید سر بسته لاک مهر شده بوده و روی آن بخط درشت حرف الف واسم پیشنهاد دهنده و موضوع مناقصه: «آسفالت خیابانهای شهر تهران و شمیران» نوشته شود و معنوی اسناد و مدارک زیر باشد:

الف - بر شریاط عمومی مناقصه که بامضای پیشنهاد دهنده رسیده باشد (باقید عبارت شده و مورد قبول است)

ب - طرح بیمان و مشخصات فنی و نقشه های مربوطه که بامضای پیشنهاد دهنده رسیده باشد (باقید عبارت شده و مورد قبول است)

ج - گواهی فنی مشعر بر اجازه مشارکت در مناقصه

د - قبض سیرده صندوق در آمد شهرداری معادل پنج درصد مبلغ پیشنهادی مناقصه کار است که پیشنهاد دهنده تقدأ بصندوق در آمد شهرداری پرداخته باشد یا ضمانت نامه بانکی بیبعل مذکور و بدست سه ماء و با چک تضمین شده بپیمان مبلغ (وجه نقد و وثیقه ملک و غیره قبول نمیشود)

پاکت ب
پاکت ب محتوی قیبتی پیشنهادی مناقصه کار است که باید بر طبق مفاد اسنامه مناقصه تکمیل شود.

۹ - چون شهرداری ماین است کارها بسرعت انجام پذیرد بهر یک از مقاطعه کاران واجد شرایط فقط یک قسمت از کار را که در حدود مبلغ شانزده میلیون ریال است واگذار میکند.

۱۰ - برای هر پیشنهاد ابتدا پاکت الف را باز نموده چنانچه مدارک نامبرده در بالا در آن پاکت موجود باشد و مورد موافقت کیسیون اول مناقصه قرار گیرد پیشنهاد بر سمیت شناخته شده و پس از باز نمودن کلیه پاکت الف پیشنهاد دهنده گان پاکت های ب مفتوح خواهند شد.

بر عکس چنانچه یک یا چند از اسناد و مدارک مناقصه در پاکت الف موجود نباشد بر سمیت شناخته نشده و پاکت بر سر بسته پیشنهاد دهنده و یا فایانده او مسترد خواهد شد سپس صورتی از کلیه پیشنهادات واصله تنظیم و برندگان مناقصه با توجه باقین نامه معاملات دولتی در ظرف یک هفته بوسیله مهندسین مشاور سازمان برنامه تعیین و اعلام خواهد شد.

۱۱ - چنانچه در ظرف ده روز از تاریخ اخطار کتبی شهرداری بر نندگان مناقصه جهت تکمیل تضمین و امضاء بپیمان مراجعه نمایند شهرداری میتواند سیرده آنها را به نفع خود ضبط نموده و برای انجام کار بر طبق آیین نامه معاملات دولتی اقدام نماید.

۱۲ - پیشنهادات رسیده در ساعت ۱۱ صبح همان روز با حضور پیشنهاد دهندگان با زور قرائت خواهد شد.

۱۳ - شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است و به پیشنهادات فاقد سیرده و مبهم و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر برسد ترتیب انز داده خواهد شد.

۱۴ - پیشنهادات اشخاص یا شرکتهائی در کیسیون تشخیص صلاحیت بیمانکاران مطرح میشود که اسناد و مدارک ماشین آلات کامل آسفالت بزی و سایر وسائل را حاضر بکار ارائه نمایند.

۱۵ - بهای آگهی و هر نوع عوارض و مالیات با رنده مناقصه است

شهر دار تهران

سینماهای درجه اول:

سینما ایران

۵۵۵۵ هفت عروس برای هفت برادر (مترو گلدوین مایر - سینما سکوب (رتکی) - فیلم کمندی موزیکال معروفی که موفقیت غیر منتظره آن در تهران در اولین نمایش بقدری بود که اکنون مجدداً مجبور به تکرار آن گردیده اند. فیلم سرگرم توسط «جین یارل» و «هوارد کیل» بازی کننده بسیار خوب است که لهای اول آن شروع ۴ و ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۲ و ۳۴ و ۳۶ و ۳۸ و ۴۰ و ۴۲ و ۴۴ و ۴۶ و ۴۸ و ۵۰ و ۵۲ و ۵۴ و ۵۶ و ۵۸ و ۶۰ و ۶۲ و ۶۴ و ۶۶ و ۶۸ و ۷۰ و ۷۲ و ۷۴ و ۷۶ و ۷۸ و ۸۰ و ۸۲ و ۸۴ و ۸۶ و ۸۸ و ۹۰ و ۹۲ و ۹۴ و ۹۶ و ۹۸ و ۱۰۰ و ۱۰۲ و ۱۰۴ و ۱۰۶ و ۱۰۸ و ۱۱۰ و ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۱۶ و ۱۱۸ و ۱۲۰ و ۱۲۲ و ۱۲۴ و ۱۲۶ و ۱۲۸ و ۱۳۰ و ۱۳۲ و ۱۳۴ و ۱۳۶ و ۱۳۸ و ۱۴۰ و ۱۴۲ و ۱۴۴ و ۱۴۶ و ۱۴۸ و ۱۵۰ و ۱۵۲ و ۱۵۴ و ۱۵۶ و ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۱۶۲ و ۱۶۴ و ۱۶۶ و ۱۶۸ و ۱۷۰ و ۱۷۲ و ۱۷۴ و ۱۷۶ و ۱۷۸ و ۱۸۰ و ۱۸۲ و ۱۸۴ و ۱۸۶ و ۱۸۸ و ۱۹۰ و ۱۹۲ و ۱۹۴ و ۱۹۶ و ۱۹۸ و ۲۰۰ و ۲۰۲ و ۲۰۴ و ۲۰۶ و ۲۰۸ و ۲۱۰ و ۲۱۲ و ۲۱۴ و ۲۱۶ و ۲۱۸ و ۲۲۰ و ۲۲۲ و ۲۲۴ و ۲۲۶ و ۲۲۸ و ۲۳۰ و ۲۳۲ و ۲۳۴ و ۲۳۶ و ۲۳۸ و ۲۴۰ و ۲۴۲ و ۲۴۴ و ۲۴۶ و ۲۴۸ و ۲۵۰ و ۲۵۲ و ۲۵۴ و ۲۵۶ و ۲۵۸ و ۲۶۰ و ۲۶۲ و ۲۶۴ و ۲۶۶ و ۲۶۸ و ۲۷۰ و ۲۷۲ و ۲۷۴ و ۲۷۶ و ۲۷۸ و ۲۸۰ و ۲۸۲ و ۲۸۴ و ۲۸۶ و ۲۸۸ و ۲۹۰ و ۲۹۲ و ۲۹۴ و ۲۹۶ و ۲۹۸ و ۳۰۰ و ۳۰۲ و ۳۰۴ و ۳۰۶ و ۳۰۸ و ۳۱۰ و ۳۱۲ و ۳۱۴ و ۳۱۶ و ۳۱۸ و ۳۲۰ و ۳۲۲ و ۳۲۴ و ۳۲۶ و ۳۲۸ و ۳۳۰ و ۳۳۲ و ۳۳۴ و ۳۳۶ و ۳۳۸ و ۳۴۰ و ۳۴۲ و ۳۴۴ و ۳۴۶ و ۳۴۸ و ۳۵۰ و ۳۵۲ و ۳۵۴ و ۳۵۶ و ۳۵۸ و ۳۶۰ و ۳۶۲ و ۳۶۴ و ۳۶۶ و ۳۶۸ و ۳۷۰ و ۳۷۲ و ۳۷۴ و ۳۷۶ و ۳۷۸ و ۳۸۰ و ۳۸۲ و ۳۸۴ و ۳۸۶ و ۳۸۸ و ۳۹۰ و ۳۹۲ و ۳۹۴ و ۳۹۶ و ۳۹۸ و ۴۰۰ و ۴۰۲ و ۴۰۴ و ۴۰۶ و ۴۰۸ و ۴۱۰ و ۴۱۲ و ۴۱۴ و ۴۱۶ و ۴۱۸ و ۴۲۰ و ۴۲۲ و ۴۲۴ و ۴۲۶ و ۴۲۸ و ۴۳۰ و ۴۳۲ و ۴۳۴ و ۴۳۶ و ۴۳۸ و ۴۴۰ و ۴۴۲ و ۴۴۴ و ۴۴۶ و ۴۴۸ و ۴۵۰ و ۴۵۲ و ۴۵۴ و ۴۵۶ و ۴۵۸ و ۴۶۰ و ۴۶۲ و ۴۶۴ و ۴۶۶ و ۴۶۸ و ۴۷۰ و ۴۷۲ و ۴۷۴ و ۴۷۶ و ۴۷۸ و ۴۸۰ و ۴۸۲ و ۴۸۴ و ۴۸۶ و ۴۸۸ و ۴۹۰ و ۴۹۲ و ۴۹۴ و ۴۹۶ و ۴۹۸ و ۵۰۰ و ۵۰۲ و ۵۰۴ و ۵۰۶ و ۵۰۸ و ۵۱۰ و ۵۱۲ و ۵۱۴ و ۵۱۶ و ۵۱۸ و ۵۲۰ و ۵۲۲ و ۵۲۴ و ۵۲۶ و ۵۲۸ و ۵۳۰ و ۵۳۲ و ۵۳۴ و ۵۳۶ و ۵۳۸ و ۵۴۰ و ۵۴۲ و ۵۴۴ و ۵۴۶ و ۵۴۸ و ۵۵۰ و ۵۵۲ و ۵۵۴ و ۵۵۶ و ۵۵۸ و ۵۶۰ و ۵۶۲ و ۵۶۴ و ۵۶۶ و ۵۶۸ و ۵۷۰ و ۵۷۲ و ۵۷۴ و ۵۷۶ و ۵۷۸ و ۵۸۰ و ۵۸۲ و ۵۸۴ و ۵۸۶ و ۵۸۸ و ۵۹۰ و ۵۹۲ و ۵۹۴ و ۵۹۶ و ۵۹۸ و ۶۰۰ و ۶۰۲ و ۶۰۴ و ۶۰۶ و ۶۰۸ و ۶۱۰ و ۶۱۲ و ۶۱۴ و ۶۱۶ و ۶۱۸ و ۶۲۰ و ۶۲۲ و ۶۲۴ و ۶۲۶ و ۶۲۸ و ۶۳۰ و ۶۳۲ و ۶۳۴ و ۶۳۶ و ۶۳۸ و ۶۴۰ و ۶۴۲ و ۶۴۴ و ۶۴۶ و ۶۴۸ و ۶۵۰ و ۶۵۲ و ۶۵۴ و ۶۵۶ و ۶۵۸ و ۶۶۰ و ۶۶۲ و ۶۶۴ و ۶۶۶ و ۶۶۸ و ۶۷۰ و ۶۷۲ و ۶۷۴ و ۶۷۶ و ۶۷۸ و ۶۸۰ و ۶۸۲ و ۶۸۴ و ۶۸۶ و ۶۸۸ و ۶۹۰ و ۶۹۲ و ۶۹۴ و ۶۹۶ و ۶۹۸ و ۷۰۰ و ۷۰۲ و ۷۰۴ و ۷۰۶ و ۷۰۸ و ۷۱۰ و ۷۱۲ و ۷۱۴ و ۷۱۶ و ۷۱۸ و ۷۲۰ و ۷۲۲ و ۷۲۴ و ۷۲۶ و ۷۲۸ و ۷۳۰ و ۷۳۲ و ۷۳۴ و ۷۳۶ و ۷۳۸ و ۷۴۰ و ۷۴۲ و ۷۴۴ و ۷۴۶ و ۷۴۸ و ۷۵۰ و ۷۵۲ و ۷۵۴ و ۷۵۶ و ۷۵۸ و ۷۶۰ و ۷۶۲ و ۷۶۴ و ۷۶۶ و ۷۶۸ و ۷۷۰ و ۷۷۲ و ۷۷۴ و ۷۷۶ و ۷۷۸ و ۷۸۰ و ۷۸۲ و ۷۸۴ و ۷۸۶ و ۷۸۸ و ۷۹۰ و ۷۹۲ و ۷۹۴ و ۷۹۶ و ۷۹۸ و ۸۰۰ و ۸۰۲ و ۸۰۴ و ۸۰۶ و ۸۰۸ و ۸۱۰ و ۸۱۲ و ۸۱۴ و ۸۱۶ و ۸۱۸ و ۸۲۰ و ۸۲۲ و ۸۲۴ و ۸۲۶ و ۸۲۸ و ۸۳۰ و ۸۳۲ و ۸۳۴ و ۸۳۶ و ۸۳۸ و ۸۴۰ و ۸۴۲ و ۸۴۴ و ۸۴۶ و ۸۴۸ و ۸۵۰ و ۸۵۲ و ۸۵۴ و ۸۵۶ و ۸۵۸ و ۸۶۰ و ۸۶۲ و ۸۶۴ و ۸۶۶ و ۸۶۸ و ۸۷۰ و ۸۷۲ و ۸۷۴ و ۸۷۶ و ۸۷۸ و ۸۸۰ و ۸۸۲ و ۸۸۴ و ۸۸۶ و ۸۸۸ و ۸۹۰ و ۸۹۲ و ۸۹۴ و ۸۹۶ و ۸۹۸ و ۹۰۰ و ۹۰۲ و ۹۰۴ و ۹۰۶ و ۹۰۸ و ۹۱۰ و ۹۱۲ و ۹۱۴ و ۹۱۶ و ۹۱۸ و ۹۲۰ و ۹۲۲ و ۹۲۴ و ۹۲۶ و ۹۲۸ و ۹۳۰ و ۹۳۲ و ۹۳۴ و ۹۳۶ و ۹۳۸ و ۹۴۰ و ۹۴۲ و ۹۴۴ و ۹۴۶ و ۹۴۸ و ۹۵۰ و ۹۵۲ و ۹۵۴ و ۹۵۶ و ۹۵۸ و ۹۶۰ و ۹۶۲ و ۹۶۴ و ۹۶۶ و ۹۶۸ و ۹۷۰ و ۹۷۲ و ۹۷۴ و ۹۷۶ و ۹۷۸ و ۹۸۰ و ۹۸۲ و ۹۸۴ و ۹۸۶ و ۹۸۸ و ۹۹۰ و ۹۹۲ و ۹۹۴ و ۹۹۶ و ۹۹۸ و ۱۰۰۰ و ۱۰۰۲ و ۱۰۰۴ و ۱۰۰۶ و ۱۰۰۸ و ۱۰۱۰ و ۱۰۱۲ و ۱۰۱۴ و ۱۰۱۶ و ۱۰۱۸ و ۱۰۲۰ و ۱۰۲۲ و ۱۰۲۴ و ۱۰۲۶ و ۱۰۲۸ و ۱۰۳۰ و ۱۰۳۲ و ۱۰۳۴ و ۱۰۳۶ و ۱۰۳۸ و ۱۰۴۰ و ۱۰۴۲ و ۱۰۴۴ و ۱۰۴۶ و ۱۰۴۸ و ۱۰۵۰ و ۱۰۵۲ و ۱۰۵۴ و ۱۰۵۶ و ۱۰۵۸ و ۱۰۶۰ و ۱۰۶۲ و ۱۰۶۴ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۸ و ۱۰۷۰ و ۱۰۷۲ و ۱۰۷۴ و ۱۰۷۶ و ۱۰۷۸ و ۱۰۸۰ و ۱۰۸۲ و ۱۰۸۴ و ۱۰۸۶ و ۱۰۸۸ و ۱۰۹۰ و ۱۰۹۲ و ۱۰۹۴ و ۱۰۹۶ و ۱۰۹۸ و ۱۱۰۰ و ۱۱۰۲ و ۱۱۰۴ و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۸ و ۱۱۱۰ و ۱۱۱۲ و ۱۱۱۴ و ۱۱۱۶ و ۱۱۱۸ و ۱۱۲۰ و ۱۱۲۲ و ۱۱۲۴ و ۱۱۲۶ و ۱۱۲۸ و ۱۱۳۰ و ۱۱۳۲ و ۱۱۳۴ و ۱۱۳۶ و ۱۱۳۸ و ۱۱۴۰ و ۱۱۴۲ و ۱۱۴۴ و ۱۱۴۶ و ۱۱۴۸ و ۱۱۵۰ و ۱۱۵۲ و ۱۱۵۴ و ۱۱۵۶ و ۱۱۵۸ و ۱۱۶۰ و ۱۱۶۲ و ۱۱۶۴ و ۱۱۶۶ و ۱۱۶۸ و ۱۱۷۰ و ۱۱۷۲ و ۱۱۷۴ و ۱۱۷۶ و ۱۱۷۸ و ۱۱۸۰ و ۱۱۸۲ و ۱۱۸۴ و ۱۱۸۶ و ۱۱۸۸ و ۱۱۹۰ و ۱۱۹۲ و ۱۱۹۴ و ۱۱۹۶ و ۱۱۹۸ و ۱۲۰۰ و ۱۲۰۲ و ۱۲۰۴ و ۱۲۰۶ و ۱۲۰۸ و ۱۲۱۰ و ۱۲۱۲ و ۱۲۱۴ و ۱۲۱۶ و ۱۲۱۸ و ۱۲۲۰ و ۱۲۲۲ و ۱۲۲۴ و ۱۲۲۶ و ۱۲۲۸ و ۱۲۳۰ و ۱۲۳۲ و ۱۲۳۴ و ۱۲۳۶ و ۱۲۳۸ و ۱۲۴۰ و ۱۲۴۲ و ۱۲۴۴ و ۱۲۴۶ و ۱۲۴۸ و ۱۲۵۰ و ۱۲۵۲ و ۱۲۵۴ و ۱۲۵۶ و ۱۲۵۸ و ۱۲۶۰ و ۱۲۶۲ و ۱۲۶۴ و ۱۲۶۶ و ۱۲۶۸ و ۱۲۷۰ و ۱۲۷۲ و ۱۲۷۴ و ۱۲۷۶ و ۱۲۷۸ و ۱۲۸۰ و ۱۲۸۲ و ۱۲۸۴ و ۱۲۸۶ و ۱۲۸۸ و ۱۲۹۰ و ۱۲۹۲ و ۱۲۹۴ و ۱۲۹۶ و ۱۲۹۸ و ۱۳۰۰ و ۱۳۰۲ و ۱۳۰۴ و ۱۳۰۶ و ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ و ۱۳۱۴ و ۱۳۱۶ و ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ و ۱۳۲۲ و ۱۳۲۴ و ۱۳۲۶ و ۱۳۲۸ و ۱۳۳۰ و ۱۳۳۲ و ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ و ۱۳۳۸ و ۱۳۴۰ و ۱۳۴۲ و ۱۳۴۴ و ۱۳۴۶ و ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ و ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ و ۱۳۵۶ و ۱۳۵۸ و ۱۳۶۰ و ۱۳۶۲ و ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ و ۱۳۶۸ و ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ و ۱۴۰۴ و ۱۴۰۶ و ۱۴۰۸ و ۱۴۱۰ و ۱۴۱۲ و ۱۴۱۴ و ۱۴۱۶ و ۱۴۱۸ و ۱۴۲۰ و ۱۴۲۲ و ۱۴۲۴ و ۱۴۲۶ و ۱۴۲۸ و ۱۴۳۰ و ۱۴۳۲ و ۱۴۳۴ و ۱۴۳۶ و ۱۴۳۸ و ۱۴۴۰ و ۱۴۴۲ و ۱۴۴۴ و ۱۴۴۶ و ۱۴۴۸ و ۱۴۵۰ و ۱۴۵۲ و ۱۴۵۴ و ۱۴۵۶ و ۱۴۵۸ و ۱۴۶۰ و ۱۴۶۲ و ۱۴۶۴ و ۱۴۶۶ و ۱۴۶۸ و ۱۴۷۰ و ۱۴۷۲ و ۱۴۷۴ و ۱۴۷۶ و ۱۴۷۸ و ۱۴۸۰ و ۱۴۸۲ و ۱۴۸۴ و ۱۴۸۶ و ۱۴۸۸ و ۱۴۹۰ و ۱۴۹۲ و ۱۴۹۴ و ۱۴۹۶ و ۱۴۹۸ و ۱۵۰۰ و ۱۵۰۲ و ۱۵۰۴ و ۱۵۰۶ و ۱۵۰۸ و ۱۵۱۰ و ۱۵۱۲ و ۱۵۱۴ و ۱۵۱۶ و ۱۵۱۸ و ۱۵۲۰ و ۱۵۲۲ و ۱۵۲۴ و ۱۵۲۶ و ۱۵۲۸ و ۱۵۳۰ و ۱۵۳۲ و ۱۵۳۴ و ۱۵۳۶ و ۱۵۳۸ و ۱۵۴۰ و ۱۵۴۲ و ۱۵۴۴ و ۱۵۴۶ و ۱۵۴۸ و ۱۵۵۰ و ۱۵۵۲ و ۱۵۵۴ و ۱۵۵۶ و ۱۵۵۸ و ۱۵۶۰ و ۱۵۶۲ و ۱۵۶۴ و ۱۵۶۶ و ۱۵۶۸ و ۱۵۷۰ و ۱۵۷۲ و ۱۵۷۴ و ۱۵۷۶ و ۱۵۷۸ و ۱۵۸۰ و ۱۵۸۲ و ۱۵۸۴ و ۱۵۸۶ و ۱۵۸۸ و ۱۵۹۰ و ۱۵۹۲ و ۱۵۹۴ و ۱۵۹۶ و ۱۵۹۸ و ۱۶۰۰ و ۱۶۰۲ و ۱۶۰۴ و ۱۶۰

روانشناسی

مرض امتحان!

از علی اکبر کمالی
گراف نیست اگر بگویم که بیش از پنجاه درصد دانش آموزان و دانشکده های ایران، اینک مبتلا بر مرضی هستند که معمولاً اواخر بهار در میان آنها شیوع پیدا میکند و میتوان آنرا «مرض امتحان» نامید.

این بیماری نیز بمنزله یکی از بیماریهای روحی و عصبی است و طبعاً روح و روانشناسان آنرا جزو بیماریهای بهار به شمار می آورند زیرا امتحانات اکثر در بهار شروع میشود.

در اصطلاح روانشناسی، این بیماری و با ناراحتی روحی را «اکزامینوفوبیا» Examinopholia می نامند یعنی ترس از امتحان... و همچنانکه ترس از مرضی، ترس از شکست، ترس از بلندی و ترس از آفتاب، انواعی از بیماریهای روحی و عصبی است، ترس از امتحان نیز یک نوع است.

تنها جوانان کشور ما نیستند که درین فصل از سال، این بیماری در میانشان دیده میشود بلکه در کشور های دیگر شرق و حتی در کشور های غرب نیز این بیماری روحی بهنگام امتحان در میان جوانان بسیار دیده شده است منتها شاید بتوان گفت که میزان آن کمتر از ایران است.

این بیماری نظیر سایر بیماریهای روحی و عصبی نه تنها نتیجه امتحانات و مخصوصاً امتحانات نهائی را خراب میکند بلکه عوارضی از قبیل گرانگی و تشویش، بی خوابی و اوهام، بی اشتها و ضعف حافظه پدید می آید و این حالات موجب بیماریهای جسمی میشود و با آن که شخصیت را دچار تزلزل می سازد که حتی اگر نتیجه امتحان هم خوب شد، عواقب آن تا سالها دراز دست از سر انسان برنمیدارد.

«اکزامینوفوبیا» یا بیماری ترس از امتحان چند علت اساسی دارد:
۱- بعضی از آنها مربوط به مقررات عتیق است که از اشتباه و خطا در قلمه تعلیم و تربیت و درک نکردن هدف آموزش و پرورش ناشی شده است.
۲- و وسیله انتقام از شاگرد قرا میدهند و هنگام امتحان همچون مجسمه خشک و سرد و بی روح و عاطفه ای میشود که می خواهد محتویات حافظه شاگرد را وزن کند و هنوز نمره ندهد که معیار غلطی برای استناد شاگرد است، در مدارس بیشتر کشورها رواج دارد.

تکنه دیگر اینکه اصلاً بعضی از متعلمین در نتیجه بسیاری از بیماریهای روحی که خودشان بدان گرفتارند، در امتحانات سختگیرانهای عصبی میکنند و چنین وانمود میسازند که شرنوشت شاگردان و شیفته عبر آنان در دست ایشان است.

خوشبختانه با روش تعلیم و تربیت جدید در ایران و مخصوصاً پیدایش شیوه های سهل و ساده امریکائی در تدریس، و ایجاد مدارس نمونه که بقیه در صفحه ۷

پیدا شد روحیه

هر ضی رقصی

میدانم که بعضی مشاهده این جله بی اختیار فکر جوانانی می آید که دائم بفکر رقصیدن هستند و هر کجا صدای ساز و آوازی بگوش آید از آنجایی فرنگی شوند بی اختیار کمر خودشان را تکان میدهند یا برشی اشخاص دیگر را که البته می شناسید برای بعضی شب نشینهای سبک اروپائی سرودست میکنند.

حققتاً هم اینها مرض رقص دارند و واه و شیدای رقص هستند. بهرحال شاهم این فکرها را میکنند در حالیکه یکی از آنها بفکر من نیست - برای اینکه این عنوان «مرض رقص» یک موضوع پزشکی و بهداشتی است در اینجای دیگر اشخاص سالم نرقصند بلکه یک دسته مرضیهائی هستند که میرقصند. آنهم به نظر دستوران و کافه و میهمانی و شب نشینی ها بلکه در اطراف در منزل در خیابان - در مجالس رسمی - در مقابل اشخاص محترم - خلاصه در برابر همه کس و همه جا و همه موقع میرقصند و فقط در موقع شب که خواب هستند و استراحت کرده اند چند ساعتی دست از رقصیدن بر میدارند - اما رقص اینها هم رقص مخصوصی است و با همه جای بدنشان میرقصند - با دست و پا - با سر و صورت - با چشم و ابرو - فرس بفرماید یا شما مشغول صحبت کردن هستند - مرتباً در میان تکان میخورند - گویا در رقص تکان میخورند - چشم چشمان تکان میخورند - شانه چشمان تکان میخورند - مریالیان را تکان میدهند - خلاصه اینکه در این حرکات مخصوصی میکنند که مجموعاً آنها شبیه برق منار است و ناموزنی است که هر بیننده ای را خسته و ناراحت می کند - نه فقط بینندگان بلکه خود این چنین اشخاص هم از حرکات خودشان در زحمت هستند - زیرا آب خوردن، غذا خوردن و نام نوشیدن آنها نامنظم و ناراحت کننده است.

وقتی معده ای درجای خودش نبود نمیتواند غذای خورده شده را در موقع معنی وارد روده کند و در نتیجه مقداری از این غذا ها در معده مانده و باعث تورم جدار آن و سوء هاضمه میشود.
وقتی کلیه ها از محل طبیعی خود باینتر آمدند در اثر کمبود مقادیر زیادی سموم خارج شده از خون است بخوبی و سهولت معمول وارد مناسه نشده و مقداری از آن در کلیه ها باقی می ماند و باعث ورم و نارسایی میشود و یا وقتی روده ها سقوط کردند فضولات بوقم از آنها خارج شده و شخص مبتلا به یبوست های سخت و در نتیجه مرض عذاب دهنده «کولیت» یا ورم مزمن روده میشود بهر صورت ملاحظه میکنید که سقوط اشخاص يك بیماری ساده نبوده و دارای عوارض و ناراحتیهای زیادی است.

بدبختانه این نوع سقوط اشخاص در زمان نداشتن و پس از عمل جراحی و بالا کشیدن عضواتین افتاده دورتره پس از مدتی عضواتین کورپاین می افتد بنابر این باید از وسایل دیگری برای بقیه در صفحه ۶

مضامین تازه گوی

این مضامین را در هفته ای که گذشت مردم شرق و غرب برای همدیگر کوک کرده اند: مگس و گیلاس ..

یک دختر اسکاتلندی سراسیمه داخل دکان بقالی شد و با لحن اعتراض آمیز گفت: یک ساعت پیش مادرم از شما یک کیلو گیلاس خریده ولی در پاکت یک مگس پیدا شده است، فرود شده در جواب گفت: مامی ندارد مگس را بیاورید

هوونش گیلاس خواهم داد!
اتومبیل بجای اسب
در خانه یکی از کفترانهای سالیانه حیزب کویست در ایتالیا کلبه نایندگان برای صرف غذا بسالان بر روی یک مجاور اطاق کفتران بود دعوت شدند.

یکی از نایندگان در سوپ خود تکه لاستیک اتومبیلی پیدا کرد و خواست دهان بشکایت باز کند ولی مشاهده کرد که بر سر میز یکی از افراد بلیس مخفی نشسته و مواظب حرکات و گفتار او است؛ ناینده باهوش فوراً موضوع صحبت را عوض کرد و گفت: آقایان پیش از منی که نیست که مافدوت بدست آورده در راه بشرف کوشش کرده ایم - و نتایج آن امروز بخوبی مشهود است هم اکنون مشاهده میکنید که هر استفاده ای در سابق از اسب میشد امروز از اتومبیل و سایر وسائل موتوری حاصل میشود!

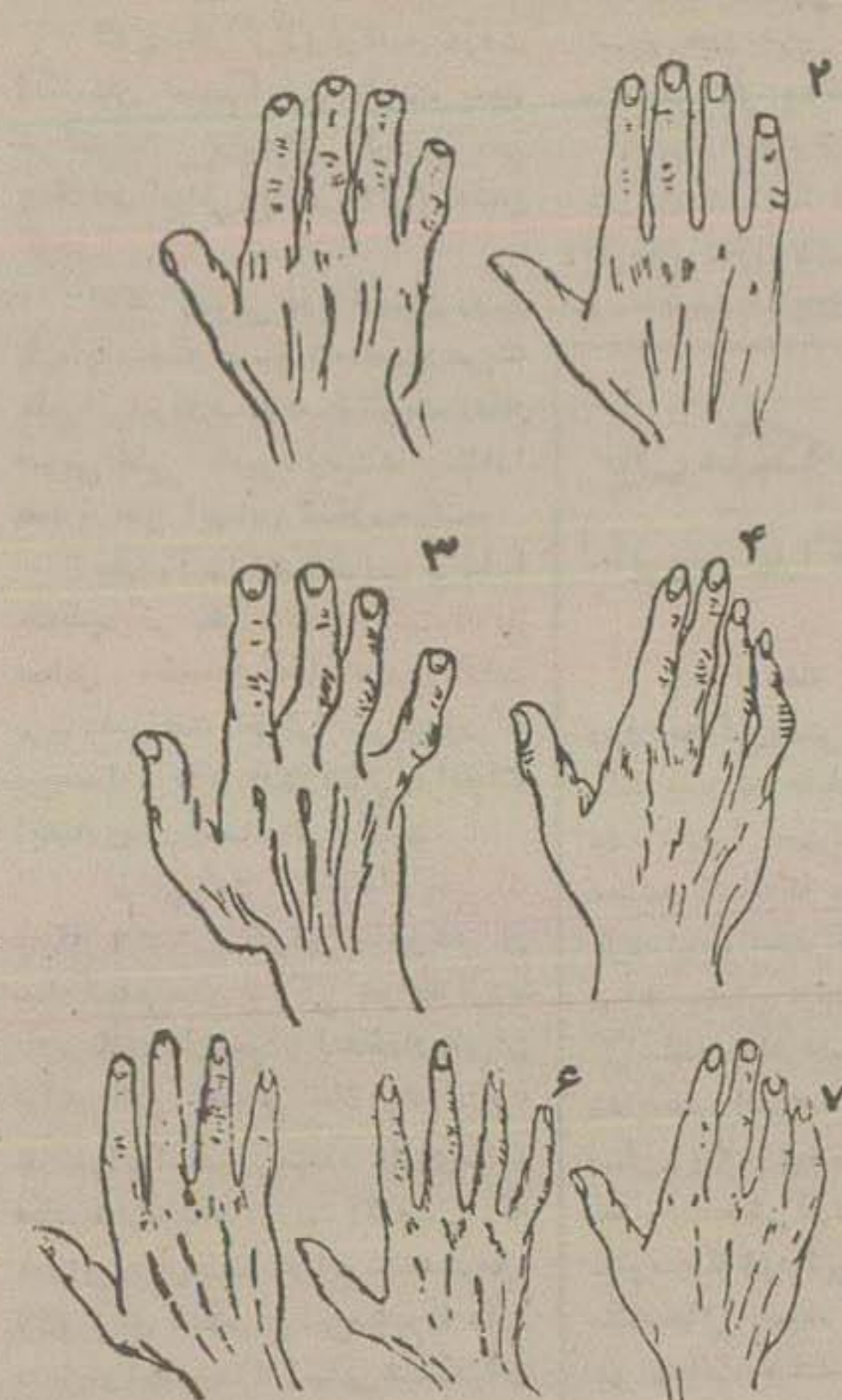
تقلب در تقلب ...
در یکی از جشنهای کارگری در لهستان رئیس جمهور طی مراسم خصوصی در مقابل عده زیادی کارگر نشان طلا و لیاقت سینه کارگری که در طول سال ۶۵۰ هزار تشنگ در کارخانه ساخته بود نصب کرد. یکی دو هفته بعد از این جریان کارگر میزبور به کاخ ریاست جمهوری نزد رئیس جمهور رفت و باحالتی عصبانی گفت: این مدالی را که بمن اهدا فرموده اید تقلبی است و طلا نمیباشد.

رئیس جمهور خنده ای کرد و گفت: صحیح میفرماید مدالی را که به شما داده ایم تقلبی است، اما آیا رقم محصولات شما در کارخانه غیر تقلبی است؟
کارگر خنده ای کرد و راضی از کاخ بیرون رفت ...

زراعت دسته جمعی ...
یکی از نمایندگان دولت کویستی مجارستان برای زارعی آن کشور نطق میکرد و آنها را تشویق مینمود تا به زراعت دسته جمعی پیوسته از اصول آن پیروی کنند.

این نماینده گفت:
«آقایان عزیز، اگر شما بزراعت دسته جمعی بپردازید این زمین که شما در آن کار میکنید و مال شما بوده و هست در آتی هم مال شما خواهد بود.»
یکی از زارعین سالخورده که چندان دل خوشی از این جریان نداشت از وسط جمعیت فریاد زد:
«اگر دماغ شما را هم ببرند و در جیبان بگذارند دماغ مال شما بوده و مال شماست و مال شما خواهد بود.»
بقیه در صفحه ۶

دست راستان بده نابگویم کیستی...



ملاحظه فرمایید که دست ناینده امراس عصبی و خطوط کم رنگ دست و لیل «کم خوئی» و خطوط بنفش رنگ دست دلیل سرطان غده فوق کلیه است

اولین کشف در دانش انگشت نگاری
علاوه بر انگشتان از روی خطوط و علامت انگشتان نیز میتوان اشخاص را شناخت و برای اولین بار در جهان در قرن پنجم میلادی چینی ها متوجه این موضوع شدند.

در سال ۱۸۳۳ یک دانشمند چک بنام بارکیتر توانست خطوط انگشتان را طبقه بندی کند و سی سال بعد از او «بریتون» پدر دانش انگشت نگاری با راهشانی دانشمند بنام «کالتون» شروع به تجسس و تحقیق درباره انگشت نگاری کرد. و توانست برای اولین بار مردی را که یکی از دوستان خود را کشته بود یا استفاده از دانش انگشت نگاری پیدا کرده و تسلیم عدالت نماید پس از ذکر مطالب بالا بایستی مختصری نیز راجع به خصوصیت روحی اشخاص و ساختن دست آنها بخت کنیم.



دستها و انگشتان نبشتم کاملترین نوع دست بشر اولیه (۱۰ سر) با استخوانهای (دست بشر فعلی) (۲۰ سر)

برای بی بردن بخصایم و روحیه افراد بشر دانشمندان راههای گوناگونی پیدا کرده اند و میتوانند با استفاده از طریق ابداعی خود آینه و گذشته بشر را تا آنجا که علم اجازه میدهد بگویند.

از مهم ترین این روشها یکی «کف شناسی» است که از روی ساختن دستها و انگشتان و ناخن آنها و راکه در باطن انسان نهفته است میخوانند.

علاوه بر کف شناسی رشته ای بنام «کف بینی» نیز وجود دارد که در آن احوال و خصوصیات انسان را از روی خطوط و علامت کف دست پیشگویی میکنند که از بهجت امروز ما خارج است.

تغییر انگشتها ...
باید دانست که از صد ها قرن پیش هر چه دامنه علم و هنر و ترقی بشر توسعه یافته دستها و انگشتان نیز هم آنها را با این پیشرفت تغییراتی پیدا کرده و بعضی استخوانهای مچ دست انگشتان سیاه طول کشیده اند. برای مثال اگر انگشتان دست اینشتین دانشمند متوفی را که مظهر تکامل و پیشرفت بشر قرن اخیر میباشد با انگشتان یک بشر اولیه مقایسه کنید میبینید که انگشتان «اینشتین» برآب طول تر، نازک تر و دارای ناخنهای کشیده تر میباشد در صورتیکه انگشتان بشر اولیه پهن تر و کوتاه تر و دارای ناخن های پهن و کوچک بوده است بهر صورت دستها و انگشتان یکی از مؤثرترین و مفیدترین اعضای بدن انسان بشمار میرود و بقول «دات» بشر همه چیز را از دست های خود دارد.

نمونه نمانده که بشر اولیه تنها از دستهای خود بعنوان دو آلت دفاع استفاده میکرد در صورتیکه بشر فعلی دستهای خود میتواند دنیای را به خاک و خون کشد و عالمی را بیجان آورد.

دستهای خود را بدشمنان خویش نشان ندهید
فراموش نکنید که از روی دستها و انگشتان شما هر کس میتواند به خصوصیات روحی و اخلاقی و نقاط ضعف شما پی ببرد بنابراین سعی کنید که این «کلیشه اسرار» را بر سر نشان ندهید زیرا ممکن است پادین آنها همه چیز را دانسته و باسانی بر شما غلبه کنند

بقیه در صفحه ۶



فرشته سرگردان

اثر: درون دوما
فشارتسه برمج دستها قطع شد و باسکال نگاهی به کلیه انداخت. موهای خرمائی او به پیشانی برچسب و بدشکلش چسبیده بود از سرو و دمش پیدا بود که کایتین اورا بختی تئیه کرده است از بدش بوی ناخوشی غیر از بوی الکل و شراب بر میخاست. ناکهان صورت فرو رفته اش تکانی خورد و لرزشی اندامش را تکان داد زیر لب گفت:
- پس آن مردکی بود؟
پکوز جواب داد:
- کنت دوموترو بود یک خارجی بود ما اورا نمی شناسیم. چرا میخواستی کنت را بکشی؟
- پول گرفته بودم. قرار بود بعد از اینکه مدوک کشتن اورا بردم باز هم بگیرم. مکی بتو پول داده بود؟
پاسکال ساکت شد. ولی بعد از فشارهای مجدد تئیه بردستهایش بچرف آمد:
- یک ما مو پولیس بکنفرکه لباس سیاه بتن داشت. بکوز نگاهی به کلیه انداخت کلیه باقیامه گرفته ای گفت:
فلا تحقیقات کافی است تئیسو از او امر ایت میکند برویم بالا. بنظرم روی عر شه بسا احتیاج داشته باشنده

شوالیه گفت:
- هر طومبیل شامت ...
وقتی دودوست را بر عرشه کشتی گذاشتند متوجه شدند که وضع بیش از پیش وخیم شده است کشتی در مقابل امواج کوه پیکر بیک پهلو میخوابید و بلند میشد و دکل های آن در خطر خرد شدن بود. ملوانان با نظم کامل مشغول تلاش برای نجات کشتی بودند. در تاریکی هر یک با کمال شجاعت بکار خود ادامه میدادند.
کلیه وقت بکلورد را نزدیک خود دید فریاد زد:
- کجا هستیم؟
- در نقطه ای که خیلی از جزیره کرس دورتست. در قسمت چپ کشتی آب نفوذ کرده است. یا نطرف بروید و بلا حاح در تلبه زدن کیک کنید.
فورا کلیه و شوالیه بکار مشغول شدند. در حالیکه تاج باهاشان در آب بود به تلبه زدن و تخلیه آب ادامه میدادند.
صدای باد و امواج دریا مثل فریادهای مهیوم جگر خراشی از دور و نزدیک بگوش میرسید:
دومر در جوان نیدانستند که چه مدت بود قوای خود را صرف اینکار خسته کنند و بکنواخت میگردند. چشمها وابسته بودند بلکههای متورم آنها از آب شور دریا میسوخت. اعضای بدنشان درد میکرد.
ناکهان مثل اینکه کشتی بوسيله يك نیروی خارق العاده و غیر قابل مقاومت بپروا برتاب شد.
لحظه کوتاهی دومر در جوان خیال کردند که از عرشه کشتی جدا شده و بیابان امواج افتاده اند.
کشتی با صدای مهیبی در گردابی فرو رفت و بدور خود چرخید. شوالیه و کلیه وحشت زده و دست بگریبان باهیجان فوق العاده خود سعی کردند تاریکی مرطوب اطراف خود را بشکافتند. صدای لرزانی در نزدیکی آنها گفت:
- بیا بر من مقدس!
در تاریکی صدای کایتین بگوش رسید:



پیرامون مسابقات المپیک

چون فدراسیون کشتی و عوم علاقمندان باین ورزش شرکت تیم کشتی ایران را در مسابقات المپیک ملبورن حتی و لازم میداند تا تلازمست که بمطاب زیر نوجوبی بشود

پس از مسابقات بین المللی المپیک هلسینکی که در سال ۱۹۵۲ انجام گردید و تیم ایران نیز شرکت داشت و همچنین در مسابقات ژاپن، لهستان، مسکو و ترکیه که تیم ملی ایران بنام باشگاه بولاد شرکت نمود

اعتبار و اهمیت تیم کشتی ایران مورد بررسی و وقت قرار گرفت متخصصین و فائزانی که در جریان کشتی آزاد و فرنگی ایران را پس از این مسابقات بررسی مینمایند هیچوقت ادعا نمی کنند که در کشتی آزاد و فرنگی مقام اول جهانی را کسب کرده ولی مایک «آنتونی» در دست داریم که میتوانیم بایک برنامه صحیحی از لحاظ تمرین، بهداشت رژیم بدنی مقامی برای خود در مسابقات کسب کنیم بخوبی برای ماسلم است که در المپیک ملبورن در قسمت کشتی آزاد احتمال قوی موفقیت برای ترکیه و شوروی است که مقام اول و دوم را بدست آورند

فدراسون کشتی کشور تا بحال ورزشکاران کشتی فرنگی ما را با قهرمانان خوب جهان مقایسه و رو برو ننموده است بطوریکه در مسابقات کشتی جهانی استانبول شوروی مقام اول، سوئد دوم و ترکیه سوم و فنلاند و مجارستان بر تیب مقام چهارم و پنجم را بدست آورده اند

میتوان حدس زد که همین مقام را برای المپیک ملبورن نامزد باشند البته «ارکانیزاسیون» تیم ایران از لحاظ اردو و مربی و تمرین و آمادگی نمودن ورزشکاران و قهرمانان رضایتبخش نیست تختی و جبار با برام جهانی و کبوهچی هر کدام صاحب مقامی در جهان کشتی میباشد در باره زندگی که اینک در دوران بحرانی بدنی میباشد نمیتوان از حق گذشت که وی از طریق سرسخت قهرمانان هم وزن خود سوئد و ترکیه سوئد و فنلاند و مجارستان بر تیب مقام چهارم مسابقات برای ایران کسب خواهد کرد

البته آماده نبودن بدن ورزشکار برای مسابقه در بعضی موارد امری عادی تلقی میگردد کوانیکه «کوبه» بهترین بازیکن تیم ملی فوتبال فرانسه که در مسابقه با تیم شوروی در مسکو دو گل بدروازه روسها وارد کرد اینک جزو بازیکنان تیم ملی که در دو مسابقه اخیر فرانسه بازی نکرد وقتی علت بازی نکردن او را از مربی تیم پرسیدند در جواب گفت بدن او آماده نیست

تنظیم برنامه شش ماهه
بنظر ما باید؛ ورزشکارانیکه تا بحال دارای مقام قهرمانی میباشد و ورزشکارانیکه با قهرمانان درجه اول رقابت دارند و برای مربی کنند عود شوند و از طرف فدراسیون کشتی ایران اردوئی برای آنان تشکیل گردد برنامه شش ماهه ای که از روی مطالعه استادان فن از لحاظ خواب، خوراک، تمرین، تهیه نموده اند در دسترس ورزشکاران گذاشته و در تقید خاصی آنها را قرار دهند

و در آخر اردو یعنی چند روز مانده برای حرکت به ملبورن مسابقه ای بین نفرات کاندید و ذخیره انجام داده و نفرات ملی را اعزام دارند

نرمش و کوهنوردی
تنها امر مهمی که در هیچ ورزش بآن اهمیت داده نشود در صورتیکه خیلی قابل اهمیت و ملاحظه میباشد نرمش و کوهنوردی برای آماده نمودن ورزشکاران است و این عمل در هوای آزاد برای کشتی گیران ضروری است که جهت تقویت عضلات پانکوهنوردی بپردازند

آمادگی بدن
آماده نگاهداشتن بدن تنها با تمرین های مداوم طاقت فرسا عملی نیگردد بلکه بایستی تمرینات متنوعی برای ورزشکاران وجود داشته باشد نه سربینات خسته کننده، خوراک و غذای که از طرف پزشک جهت تعیین و بنامین های مختلف که برای بدن لازم است تعیین گردد در این امر موثر است

مربی
بعیده ناظرین و مطلعین ورزشی که از مسابقات بین المللی کشتی اطلاع دارند، مربیان کشتی گیران ماصلاحت ترین دهن قهرمانانیکه نامزد قهرمانی جهانند ندارند

امروز در مسابقه های بین المللی ثابت شده که اغلب از طرف مقامات صلاحیتدار و با نفوذ، سوسله «ساخت و بافت» های خصوصی امتیازاتی برای کشورشان بدست می آورند و معمولاً پس از ختم مسابقات در هر شب طوماری در دست مربی تیم هر کشور میباشد و قهرمانان خود را با حریف خود می ستیند و نتیجه گل مسابقه را پیش بینی مینمایند و قبل از شروع مسابقه فردا تصمیمات مقتضی اتخاذ میگردد ایران نقش مهمی در مسابقات ملبورن دارد چون رقابت های شوروی و ترکیه احتیاج به همکاری ایران دارد ما هم بنحو احسن مطلوب را باید بدست آوریم

«امره» مربی کشتی ترکیه از آن لحظه ای که با میدان مسابقه میگردد در بی فرصت مناسب است و قبل از شروع مسابقه تحقیق میکند که داوری مسابقه چه کسی میباشد و مراتب کامل در مسئولیتی که بگردن دارد مینماید

موضوعی که بایستی توجه بآن شود اینست که سرپرستان و مربیان است مامورین در تعقیب آنها باشند کشتی کوچک و ظریف آنها بعد از شکستن دکل دیگر نمیتوانست براه خود ادامه دهد از این جهت باید تسلیم سر نوشت شود باید بدستگیر شدن یا غرق در دریا تن در دهد

کلید در حالیکه دندانه ها بهم میفشرد گفت
- مرا زنده دستگیر نخواهند کرد!

و با نرزی زیاد دوباره بکار خود مشغول شد دیگر نه احساس تب میکرد و نه احساس خستگی حرکات یکنواخت تلبه زدن فکر او را آزاد گذاشته بود

بیاد پارك موتربو و ایامی افتاد که بچه بود و در کنار مادرش بازی میکرد آفتاب از خلال شاخه های درخت سدر بر سر آنها میتابید، مادرش يك پیراهن موسلین صورتی رنگ بتن داشت يك دستمال کردن قرمز ای بدوش و يك چتر آفتابی با دسته عاج بدست داشت

با اینکه دیگر خیلی جوان نبود طناز و زینا بود شاید در همین لحظه هم تازه از سالن شب نشینی قصر خارج میشود

بعد فکرا و بطرف يك دختر کولی که شبی حساس او را درازا به خود پنهان کرده بود رفت بعد همین دختر بخانه کاپیتان بلکودر آمده و او را از قصد مامورین پلیس مطلع کرده بود بلکودر بعد از رفتن دختر کولی باو گفته بود «يك دختر قشنگ و دوست داشتنی این خبر را برای من آورد» لحظه ای را بیاد آورد که بدن گرم و سبک دختر جوان را در ساحل دویا بروی دست بلند کرده بود این دختر بيك آهوی آزاد و سرکش شیه بود خاطره او تیبسی بر لبهای کبیر آورد راستی اسم این دختر چه بود، فانی

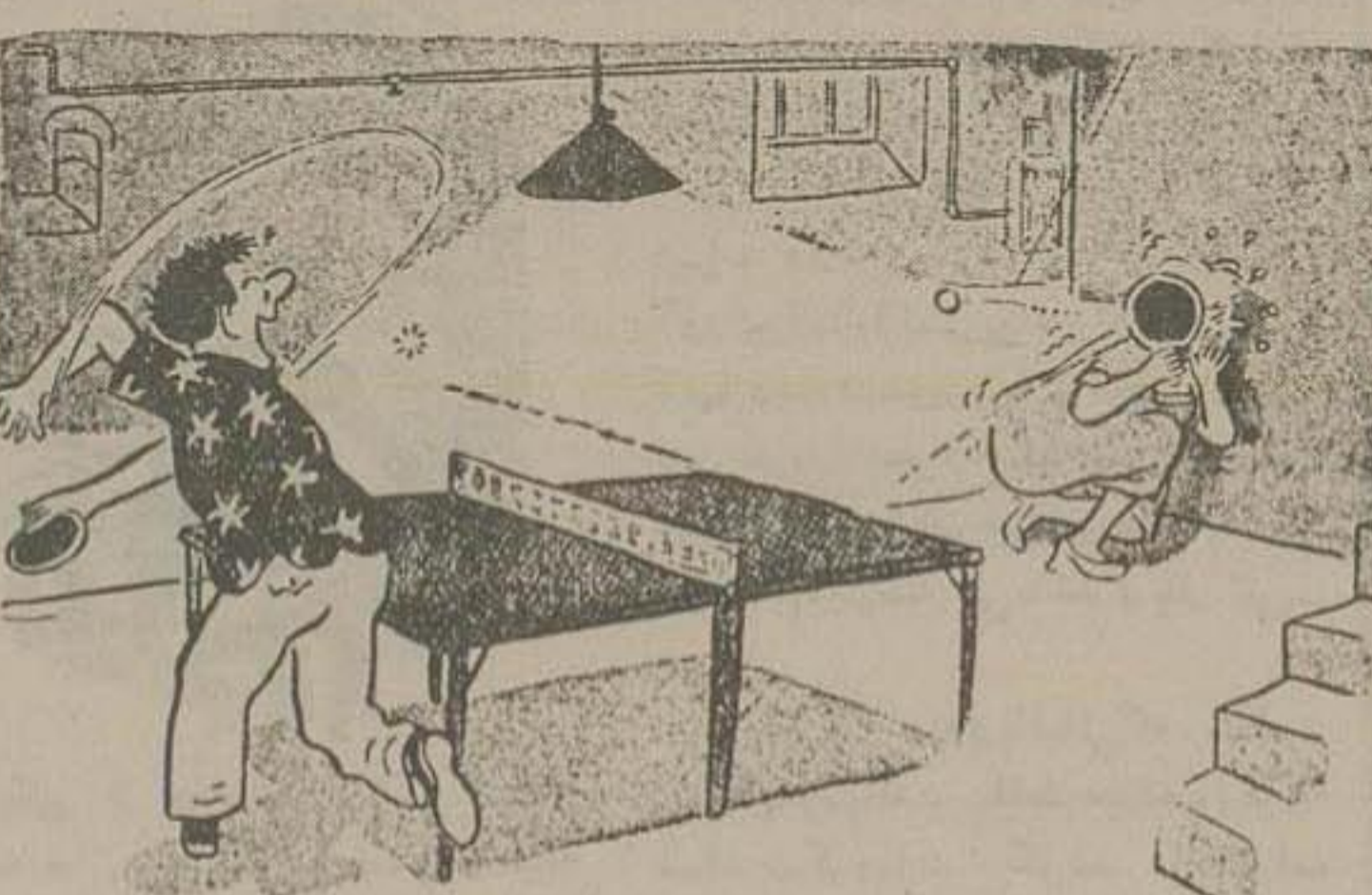
اخبار ورزشی از سراسر جهان

«برنا کوتیه» برای سومین سال قهرمان دوچرخه سواری بین دو شهر پاریس و برنو گردید



مسابقات معروف دوچرخه سواری بین دو شهر پاریس و برنو که پانصد و پنجاه و یک کیلومتر مسافت آن میباشد همه ساله بکنوت در فرانسه انجام میگردد، برای سومین سال «برنا کوتیه» قهرمان دوچرخه سواری این مسابقات مقام اولی خود را حفظ کرد نامبرده این مسافت را در مدت دوازده ساعت و پنجاه و سه دقیقه و شصت و شش ثانیه خارق العاده ای طی نمود

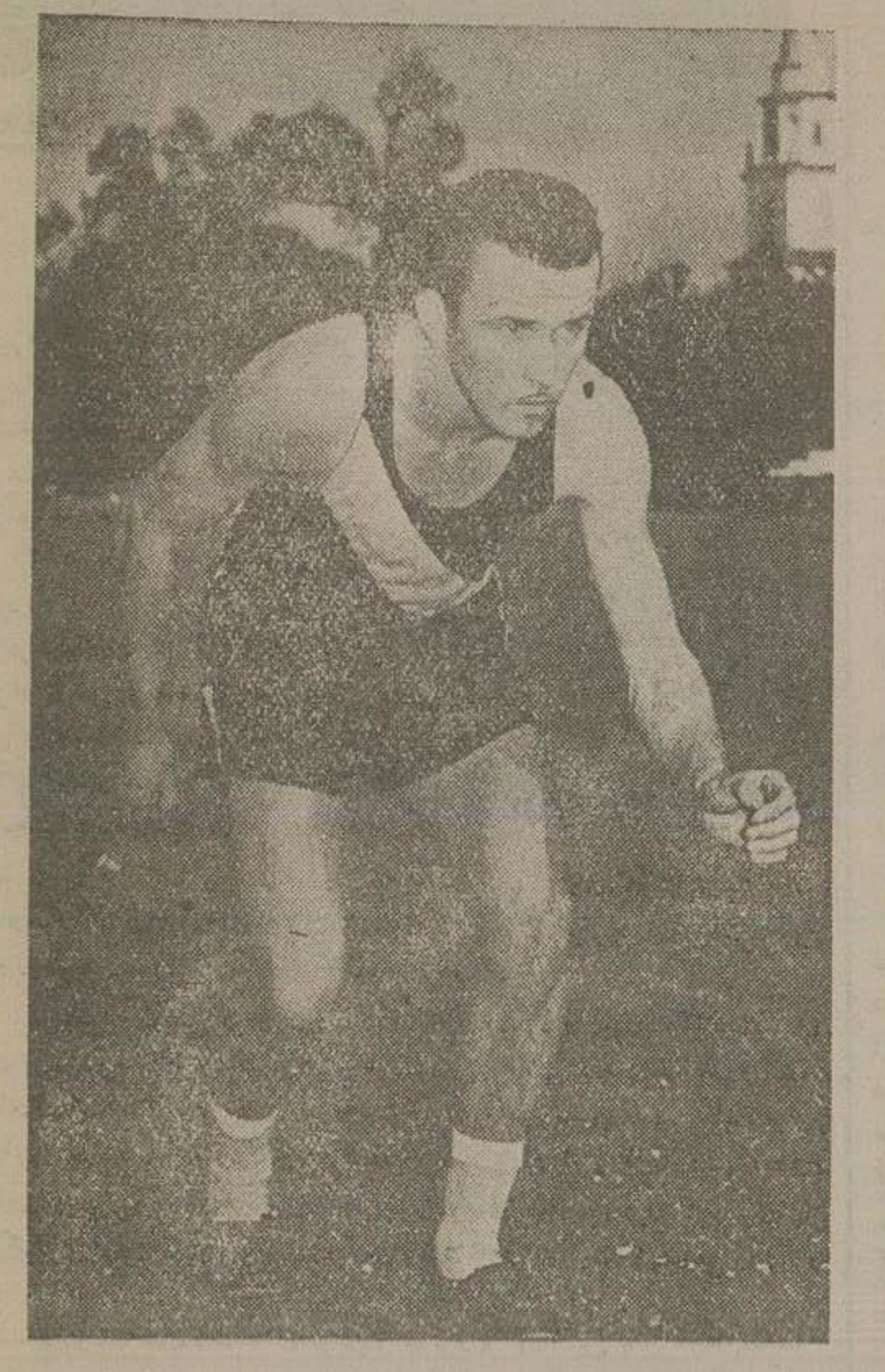
در مسابقه بینک پونک



اعزامی بایستی از شخصیت های بین المللی و کسانی باشند که بزبان های خارجی آشنائی داشته باشند که در مواقع کلی مسابقات و بر سر غذا و مهمانی های رسمی از وجود این شخصیت ها که دارای پرستیژ میباشد برای بدست آوردن امتیاز بیشتر اطلاعات بهتری کسب نمایند

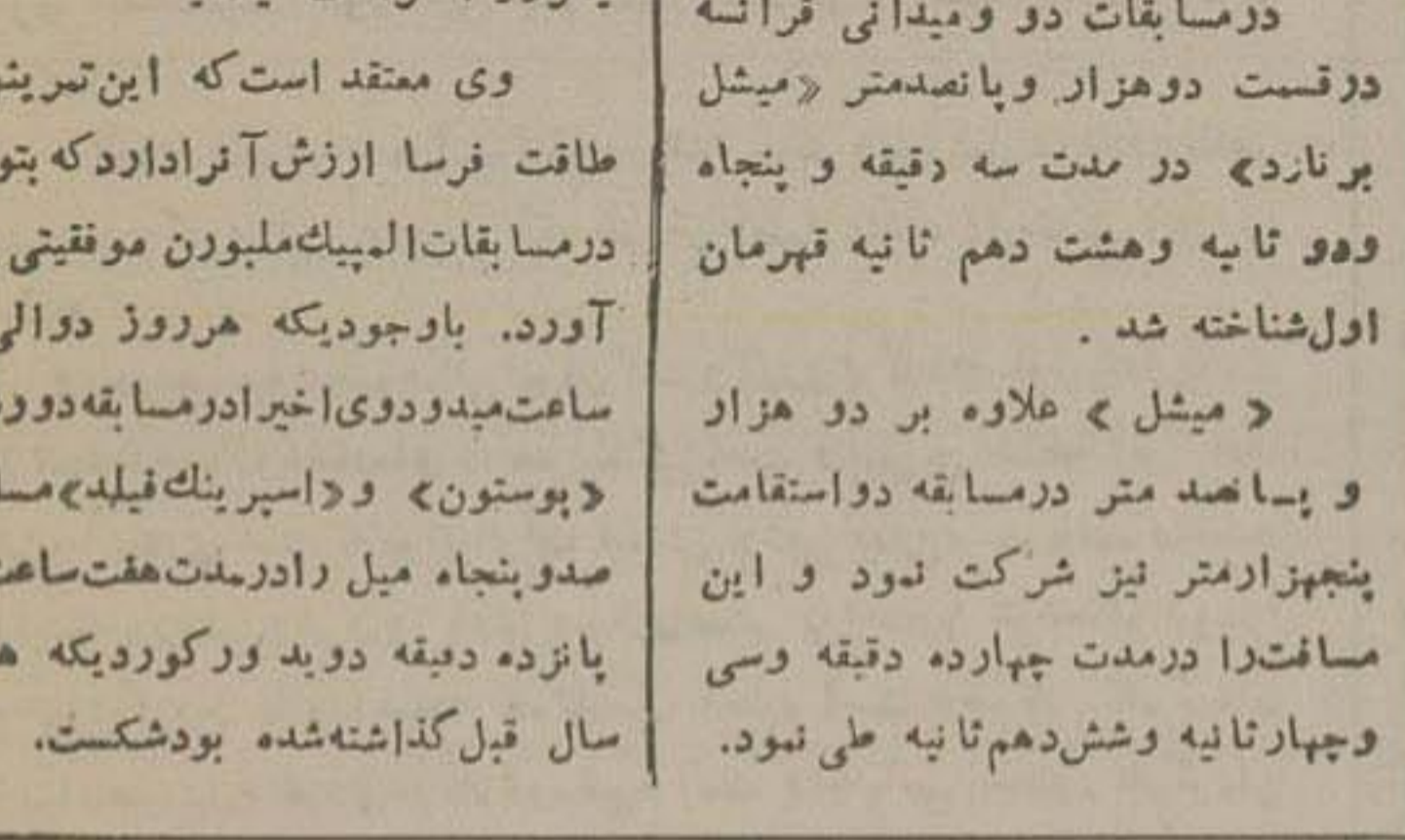
آقای «اوری پرونداج» رئیس کمیته بین المللی المپیک صحنه مسابقات را عاری از هرگونه تزویر و هر نوع آلودگی بیان داشت ولی باید گفت مسابقات المپیک از لحاظ «آما تورسیم» وجود ندارد و رقابت های ناچوار و نادره ای برای بدست آوردن امتیاز میشود که از لحاظ اخلاق و ورزشکاری در دوازده حقیقت است، منافسانه مسابقات المپیک میل تجار و پول پرستی شده و کسله آما تورسیم در جزو پنج حلقه المپیک دیده نمیشود زیرا تیم فوتبال مجارستان قهرمانان دوومیدانی آمریکا کشتی گیران ترک... جهت تبلیغات مملکت و اگر منافع آن به آنها نماند نباشد شرکت نمی کنند هفته آینده از سبک وزن تاسکین در نوزدهم کاپ قهرمانان خود را با سایر ورزشکارانی که در ردیف مقام اول جهانی هستند مقایسه خواهیم کرد

قهرمان دو میدانی آمریکا خود را برای مسابقات المپیک آماده میکند



دانش آموزی توانست در ردیف بهترین قهرمانان دو میدانی فرانسه قرار بگیرد «لئون سیراواتسکی» قهرمان خردسال پرتاب نیزه «دانش آموزان» که در مسابقه نیزه برانی که اخیراً در پاریس انجام داد توانست نیزه را به مسافت هفتاد و سه متر و بیست و سه سانتیمتر پرتاب کند

دو قهرمان آمریکائی بهترین رکورد پرش طول را شکسته



دو قهرمان آمریکائی بهترین رکورد پرش طول را شکسته

قهرمان دو و میدانی آمریکا خود را برای مسابقات المپیک آماده میکند

دو مسابقات دو و میدانی فرانسه در قسمت دوهزار و پانصدمتر «میشل برنارد» در مدت سه دقیقه و پنجاه و دو ثانیه و هشت دهم ثانیه قهرمان اول شناخته شد

تیم فوتبال «دی استرانوما» اسپانیا چهار برد و ورزشکاران برزیل را شکست داد

«کوبه» ستر فور و واد تیم ملی فوتبال فرانسه که بنام ستاره تیم فوتبال آن کشور شهرت یافته است راضی شد درخواست باشگاه «ریل واسکو در کاما» قهرمان باشگاه های اسپانیا را که حاضر شد نامبرده را مبلغ یک میلیون و دو صد هزار تومان خریداری نماید پذیرد اینک سه نفر از بازیکنان حله این باشگاه عبارت از «کوبانیک» از کشور مجارستان و «دی استرانوما» از کشور برزیل و «کوبه» از فرانسه میباشد که از بهترین و قوی ترین قهرمانان فوتبال محسوب میشوند

باشگاه «ریل واسکو در کاما» پس از یک هفته که بازیکنان نامبرده با سایر قهرمانان آن باشگاه همکاری مینمودند با تیم برزیل که از قوی ترین تیم های جهان محسوب میشوند مسابقه داد و توانست چهار برد و مسابقه را برنده شود

فکر نیکیندی این حال خطرناک باشد؟
- چرا، یقیناً خطرناک است، کاپیتان فکر نمی کند که طوفان دور میشود؛ بلکه در که با آنها نزدیک میشد گفت؛
- چرا، دور میشود، ولی ما را در وضع بدی میگذارد، تلبه زدن کاپیتان باید مطلبی را بشنا بگویم، با من بیایید
کبیر قداست کرد، اعضای پر در خود را تکانی داد نکاهی بدریا که لحظه بلعظه آرام تر میشد انداخت، آب در برابر روشنائی روز انعکاس شرفه از خود را بازمی یافت، بلکه در که نگاه کبیر را تعقیب کرده بود سر تکان داد و گفت؛
- دریای کبیر!
بیایید، اگر حسا بهای من درست باشد باید در نقطه ای در حوالی خلیج «سن فلوران» باشیم - اگر بتوانیم خود را بخلیج برسانیم کل راه درست خواهد شد، در آنجا من دوستانی دارم که شما میتوانید تا هر موقع دلان بخواید در منزل آنها بمانید تا جستجو کنندگان رد شمارا کم کنند، پلیس میدانند که شما با من هستید؛
کبیر گفت؛
- بله، و شاید این اشتباه ما بوده است،
و چون بلکودر با تعجب او را نگاه میکرد اضافه کرد؛
- خیلی دلم میخواهد بفراشه بر کردم در یک مهمانخانه منزل کم و اگر این آقایان سراغ من بیایند همانجا حسابشان را تسویه کنم
بلکودر گفت؛
- یعنی میخواهد با تمام پلیس مملکت مبارزه کنید؛ نظرم باید انجام این نقشه خود را برای بد بگذارد با هدف فعالیت های ما را فراموش کرده اند؛
کبیر گفت؛
- خودم نمیدانم، دیگر نمیدانم بدنی برای ما مانده است یا نه، حتی احساس تشنگی می

ناکهان صدای آوازی بگوشش رسید، ابتدا خیال کرد که بر اثر خستگی و درد دچار توهم شده است ولی وقتی با دقت گوش داد متوجه شد که شوالیه آواز می خواند
بکودر برای اینکه فکر قرق شدن در دویا متلاطم را از خود دور کند آوازی در وصف شراب میخواند
گاهی با بعضی کلمات آنرا بگوش کبیر میرساند؛
«یک کوزه شراب خالص»
«یک کوزه پر از شراب»
«جان مادر و روانه درازا میخورد»
ناکهان کبیر متوجه شد که روی عرشه غیبی و لغزنده بهتر متادل شود حفظ میکند و باران و آب کف آلود دریا با شدت کتری بر سر صورتش میخورد
وقتی چشم بطرف آسمان بلند کرد دید که آسمان روشن تر و ابرها سبک تر شده اند، فریاد زد؛
- بکودر، نگاه کنید، مثل اینکه طوفان آرام تر شده است،
شوالیه نکاهی با طرف کرد و گفت؛
- اینطور بنظر میآید، ولی دلیل نجات مانع میشود،
- نه، اما بهرید بختی گرفتار شویم از این جهنم بهتر است،
شوالیه در حالیکه نگاه خود را بصورت کبیر دوخته بود پرسید؛
- شما مجروح شده اید؟
کبیر جواب داد؛
- چیز مهمی نیست، اما خیلی خواب میآید شجاعطور؛
بکودر گفت؛
- خودم هم نمیدانم، دیگر نمیدانم بدنی برای ما مانده است یا نه، حتی احساس تشنگی می

ترجمه و تلخیص: پروین تنابادی



فاوست

«خلاصه ای از شماره قبل»
اهرمین، در برابر یزدان شرط میبندد که «فاوست» دانشمندتی را از راه براه کند.

روز عید پاک فاوست بهسرای بهترین شاکردش واکثر ازمنزل بیرون شد تا درخیابانها ونقاط پرجمعیت شهرگردش کند.

فاوست دراین منظرههای شادی-انگیز ومظاهر پرشور و غوغا می-اندیشید وخودرا حقا درین عید پاک انسان احساس میکرد: احساسی که در طول سالها مطالعات جدی ومتوالی از آن محروم بود.

آن نگاه سک سیاهی درراه پیشش میخورد که درپیرامون اودورمیزد ورفته رفته بوی نزدیک میشد وهیجان ناخانه بدنبال اودوران بود.

درخانه شروع ترجمه چند فقره ازانجیل کرد وهنگامیکه ذهنش را برای جستن تفسیر صیغی بکار انداخته بود ناگهان سک شروع به فک کرد.

فاوست آفراسکی عادی نیافت بلکه یقین کرد روحی شریراست که بدین هیئت درآمده است ومصمم شد تراورد تجارب خود

دردادوگری وطلسمات فراردهد. و درهاند که نزدیک بود نیرومندترین ومؤثرترین توفیها وطلسمهای خود را بکاربرد سک از آن هیئت بیرون آمد

ومعلوم شد او اهرمین «مفیستوفلس» است و بیدرنگ شکل دانشجویی از سفرآمده خود را برافوست ظاهر ساخت، وخود را باعتبار اینکه «متمهداست تمام لذات کیتی را در دسترس فاوست بگذارد» در اختیار وی گذاشت:

سپس آمادگی خود را برای خدمتگزاری نسبت بدانشمند کهن سال اعلام کرد.

فاوست: «من سالخورده تر از آنم که خویش را تسلیم لذات کنم... و خردسال ترم از اینکه میل را از من بگیرد... اکنون در چنین شرایطی کیتی چه میتواند بیندیشد؟»

کافی است بس است!
ولی «مفیستوفلس» بفاوست وعده داد که زندگی نوین وآمال نوین ومعرفت نوین ومطامع نوین ومعاشقات نوینی بدو اعطا خواهد کرد. او قول داد.

بزرگی جوانی را بفاوست بازگرداند و خدمتگزار وی شود لیکن بشرط اینکه:

مفیستوفلس: من درآینده نزدیکی بمنزله بنده فرمانبردار تو درین جهان خواهم بود، تا تو درآن جهان بنده من باشی!

فاوست: چندمدت درزمین خدمتگزار من خواهم بود!

مفیستوفلس: این امر را من بتو امینگذاختم.

فاوست: بتأیید اختلافی نداریم وتوافق نظر حاصل است!

... میخواهم طوری زندگی کنم که درحالات مستی و بیخبری روز-افزونی کامرانی کنم.

ازیکبار لذات یکی پس از دیگری بهره بگیرم تا برحلهای از کامرانی نهای برسم که در خود او لذایند و کامروائیها احساس سیری کنم!

فاوست واهرمین پیمان را باخون خود توثیق کردند:

فاوست در سایه وسائل جادو گرانه اهرمین نبیبت تازه جوانی باز گشت.

آنکه بهسرای بگذرید زندگی عاشقانه ای را آغاز کردند و در جستجوی کامرانیها ولذات برآمدند!

فاوست واهرمین نخستین کامرانی خود را درمیکه (اورباخ) آغاز کردند و در آنجا گروهی از جوانان هوس باز را دیدند که اهرمین برای سرگرمی آنان با بازیگریها و عملیات جادو گرانه خود متوسل شده و بوسیله مته میزی را سوراخ کرده و انواع مشروبات را از سوراخ آن بیرون آورد.

سپس میخواست آن را تهدید کرد که شرابهایی را که مانند فواره از سوراخ بیرون میآمد بشله آتش فروزانی تبدیل خواهد کرد. مفیستوفلس از آن میکده فاوست را به «آخیزخانه جادو گرانه» برد و در آنجا بوی محلول آسون خوانده ای نوشانید که در عروقش آتش عشق جسی بسیار شدیدی بر افروخته شد.

سپس از آن او را یکی از معاصر عوامی برد و در آن رهگذر نخستین سعادت عالی برای فاوست پیش آمد که وی با اولین عشق غم انگیز فیجیع معاصف شده هنگامیکه بر هکذران میبگردد بنده ناام «مارگریت» با نان برخورد

فاوست: خانم زیبا! بدتان نباید اگر من دست شما را در دست گیرم و شما نامقصدی که دارید مرا میبخشید!

مارگریت: من نه خانم و نه زیبا و می توانم خودم بخانه ام برسم بی آنکه تومرا همراهی کنی و دستت را از دست او رها کرد و براه خود ادامه داد!

فاوست: جقدر شاقتم این زن را بچنگ آورم...

مفیستوفلس: اگر او بزودی تزویجیابی: آنوقت فریضه اعتیاد را نسبت بتوانجام خواهم داد!

فاوست: نزد من کلهای دریاره فرایضه دین بر زبان میاورد... اگر امشب این زن فتان را در آغوش بگیرم، ازین شب همین امشب پیمانانرا فسخ شده تلقی کن!

مفیستوفلس: شهوت تو بدرجات بیش از آنست که حتی من نسبت بشیاطین متمهد شده ام... ولی من بزودی آرزوهای ترا بر میآورم. هرچه زودتر خانه او را پیدا میکنم و او را بیش تو میآورم!

شیطان بر آن شد که «مارگریت» را گمراه کند و او را بوسیله مجموعه ای از زیورها و جواهر نرفرید از اینزو مغفیانه بدرون اطاق اودرفت وجنبدن گونه پیرایه های زیبا و کوهراهی گرانبها در آن گذاشت مارگریت همینکه چشمش بانها افتاد شادمان شد و درین حال حیرت وشگفتی او را فرآورد.

سپس آنها را بهسایه خود «مارتا» نشان داد و مارتا زنی بود که سالها شوهرش از وی غایب شده بود.

مارتا: مارتا! بین وقت کن.

مارتا: دخترم: چه بخت خوبی دادی!



دکترهای آفریقا

ماجراجای طبیات در قبائل آفریقا - ابن جوان ۱۶ ساله در حل مسائل ریاضی از اینشتین به مراتب جلو تر است. دکتریکه تغییرات جوی را پیش بینی میکرد و با معاینه زن آبستن میگفت که طفل او پسر است یا دختر...

علیات دکترهای جادوگر آفریقا قدرتی عجیب و مگیرالمقول است که انسان تصور میکند نموده از آنها قدرت مافوق طبیعت دارند که میتوانند چنین کارهای خارق العاده ای انجام دهند.

درا کثر قبایل دکترها معصومی هستند که هر چند از سحر و جادو بیخبرند ولی در طبابت بعدی ماهرند که حتی مشکلتترین امراض را بسبب سادگی مداوا میتوانند، این دکترها نمیتوانند بقیه بازی وشادلاتانی مثبت شوند زیرا افراد قبیله که احترام زیادی به دکتر خود قائلند هر مومک که بیارشدند از او میخواهند بیدرنگ معالجه شوند و دیگر در فکراین نیستند که مرض آنها صعب العلاج است یا نه، بلکه اگر دکتر قبیله در تشخیص و معالجه مرض کوتاهی نموده، و یا قادر مداوا نباشد که در آنصورت مغمضوب می شود و اکثر اوقات جان خود را در ابتراء از دست میدهد

روزی این اصل آنها تیکه در سرزمین آفریقا، در میان قبائل و عشایر بومی طببای اشتغال دارند باینکه کترواقعی باشند نه اینکه باحقه بازی و ظاهر سازی این سمت بزرگ را که در نظر افراد قبائل مقام آن از ریاست قبیله مهمتر است بدست آورند.

دکترهای آفریقا در میان جادو گران آفریقا عده زیادی م هستند که کارهای عجیب وغریب عادی انجام میدهند. قی-الثل دستهای خود را توی آتش فرو میرند و وقتی پس از ساعتی بیرون می آورند اسما سکتترین سوختگی در دست آنها دیده نمیشود و یا ناخنچ بریانی بدن خود را مجروح میکنند و یکقطره خون از جوی زخم بیرون نی آید و نیز مدتها گرسنه میماند و باز نمی میرند.

سباحان و ارو پاتیایی که بنظور گردش و سیاحت نقاط مختلف آفریقا مسافرت کرده اند میگویند ما بکرات ناظر این اعمال عجیب وغریب بوده ایم و نیز توضیح میدهند که اکثر آنها دکترهای قبیله هستند، خلاصه ایندکترها در هر کار غیر عادی وارد بوده، عملیات خارق العاده ای انجام میدهند

یک دانشمند انگلیسی که با فریقا رفته بود نقل میکند که من جادوگر ری دیدم که قطع نظر از طببای عملیات معیرالمقولی هم انجام میداد روزی بنظور آزمایش وی کاره و یکساعت محی داد جمعه گذاشته آفرامر وموم کردم و چون تک و تنها در خانه خود اینکار را انجام دادم اولیکه هیچکس نبودند ناظر باشند، بهرحال پس از آن باسب خود سوار شده بلانات دکتر جادو گر که ۴۸ کیلو متر دورتر از خانه من مسکن داشت رفته و گفتم که من در صندوق خود جعبه ای گذاشته ام که درون آن مقداری اشیاء است و شما که ادعا دارید از همه چیز باخبرید اکنون بگوئید اشیاء جعبه عبارت از چیست؟

دکتر جادوگر بزیرین نشسته بلکهایش را بر رویم گذاشت و از حال وقت وی در دست بگیرم بهمین وضع باقیانند و سپس سر بلند کرده و گفت: الساعه بخانه شما رفته صندوق را دیدم، درون صندوق جعبه ای مهر و موم شده گذاشته اید و توی جعبه هم اشیائی بچشم خورد.

من گفتم: چه اشیائی بود؟ وی بیدرنگ جواب داد: در جعبه مهر وموم شده کار دو کجک و یکساعت طلا دیده میشد

من از تعجب نتوانستم خودداری کنم و بی اختیار پرسیدم: بطور باین اسرار بی بردی؟

وی خوسرد و آرام پاسخ داد: وی در باعلوم زیادی وجود دارد که شما سفند بوستان از اسرار و رموز آن بی-خبرید!

آزمایشات متعده در برخی از قبائل مشغول به تحقیق است طببای ساده و ساده تحصیل کرده نامزد پس از آنما دوره تحصیل در مورد بیه در صحنه ۷

ترجمه: ارونی کرمانی



دکترهای آفریقا

ماجراجای طبیات در قبائل آفریقا - ابن جوان ۱۶ ساله در حل مسائل ریاضی از اینشتین به مراتب جلو تر است. دکتریکه تغییرات جوی را پیش بینی میکرد و با معاینه زن آبستن میگفت که طفل او پسر است یا دختر...

علیات دکترهای جادوگر آفریقا قدرتی عجیب و مگیرالمقول است که انسان تصور میکند نموده از آنها قدرت مافوق طبیعت دارند که میتوانند چنین کارهای خارق العاده ای انجام دهند.

درا کثر قبایل دکترها معصومی هستند که هر چند از سحر و جادو بیخبرند ولی در طبابت بعدی ماهرند که حتی مشکلتترین امراض را بسبب سادگی مداوا میتوانند، این دکترها نمیتوانند بقیه بازی وشادلاتانی مثبت شوند زیرا افراد قبیله که احترام زیادی به دکتر خود قائلند هر مومک که بیارشدند از او میخواهند بیدرنگ معالجه شوند و دیگر در فکراین نیستند که مرض آنها صعب العلاج است یا نه، بلکه اگر دکتر قبیله در تشخیص و معالجه مرض کوتاهی نموده، و یا قادر مداوا نباشد که در آنصورت مغمضوب می شود و اکثر اوقات جان خود را در ابتراء از دست میدهد

روزی این اصل آنها تیکه در سرزمین آفریقا، در میان قبائل و عشایر بومی طببای اشتغال دارند باینکه کترواقعی باشند نه اینکه باحقه بازی و ظاهر سازی این سمت بزرگ را که در نظر افراد قبائل مقام آن از ریاست قبیله مهمتر است بدست آورند.

دکترهای آفریقا در میان جادو گران آفریقا عده زیادی م هستند که کارهای عجیب وغریب عادی انجام میدهند. قی-الثل دستهای خود را توی آتش فرو میرند و وقتی پس از ساعتی بیرون می آورند اسما سکتترین سوختگی در دست آنها دیده نمیشود و یا ناخنچ بریانی بدن خود را مجروح میکنند و یکقطره خون از جوی زخم بیرون نی آید و نیز مدتها گرسنه میماند و باز نمی میرند.

سباحان و ارو پاتیایی که بنظور گردش و سیاحت نقاط مختلف آفریقا مسافرت کرده اند میگویند ما بکرات ناظر این اعمال عجیب وغریب بوده ایم و نیز توضیح میدهند که اکثر آنها دکترهای قبیله هستند، خلاصه ایندکترها در هر کار غیر عادی وارد بوده، عملیات خارق العاده ای انجام میدهند

یک دانشمند انگلیسی که با فریقا رفته بود نقل میکند که من جادوگر ری دیدم که قطع نظر از طببای عملیات معیرالمقولی هم انجام میداد روزی بنظور آزمایش وی کاره و یکساعت محی داد جمعه گذاشته آفرامر وموم کردم و چون تک و تنها در خانه خود اینکار را انجام دادم اولیکه هیچکس نبودند ناظر باشند، بهرحال پس از آن باسب خود سوار شده بلانات دکتر جادو گر که ۴۸ کیلو متر دورتر از خانه من مسکن داشت رفته و گفتم که من در صندوق خود جعبه ای گذاشته ام که درون آن مقداری اشیاء است و شما که ادعا دارید از همه چیز باخبرید اکنون بگوئید اشیاء جعبه عبارت از چیست؟

دکتر جادوگر بزیرین نشسته بلکهایش را بر رویم گذاشت و از حال وقت وی در دست بگیرم بهمین وضع باقیانند و سپس سر بلند کرده و گفت: الساعه بخانه شما رفته صندوق را دیدم، درون صندوق جعبه ای مهر و موم شده گذاشته اید و توی جعبه هم اشیائی بچشم خورد.

من گفتم: چه اشیائی بود؟ وی بیدرنگ جواب داد: در جعبه مهر وموم شده کار دو کجک و یکساعت طلا دیده میشد

من از تعجب نتوانستم خودداری کنم و بی اختیار پرسیدم: بطور باین اسرار بی بردی؟

وی خوسرد و آرام پاسخ داد: وی در باعلوم زیادی وجود دارد که شما سفند بوستان از اسرار و رموز آن بی-خبرید!

آزمایشات متعده در برخی از قبائل مشغول به تحقیق است طببای ساده و ساده تحصیل کرده نامزد پس از آنما دوره تحصیل در مورد بیه در صحنه ۷

تازه ترین اخبار سینما

دومین ازدواج مریلین مونرو...



خبر واصله حاکی است که هفته گذشته میان «مریلین مونرو» ستاره شهیر سینما با «آرتور میلر» نمایشنامه نویس معروف امریکائی که چندین بار هم جایزه «پولیتزر» را بدست آورده قبل از این که حتی نامزد شوند بهم خورد.

«مریلین» پس از گرفتن طلاق از شوهر اولش «جود بیلیو» پیشنهاد هیچ کس را راجع باز دواج نپذیرفت تا اینکه چندی قبل با «آرتور میلر» در یک مجلس ضیافت آشنائی پیدا کرد

وازشا چه بنهان که دل بدو باخت و یک هفته بعد قرار شد که با یکدیگر نامزد شوند ولی ناگهان حادثه ای اتفاق افتاد که «آرتور میلر» از این امر منصرف شد و «مریلین» دلربا را پشت سر گذاشت و رفت.

جریان از این قرار بود که «مریلین مونرو» جهت رگلامهای فیلم اخیرش موسوم به «توقف اتوبوس» چندین عکس عجیب و خارق العاده با بازیهای غیر منتظره برداشته بود و چون این امر بدون مشورت با «میلر» که قرار بسود که با وی نامزد گردد خود سرانه و بنا بر هزار و یک هوس «مریلین مونرو» انجام گردید لذا «آرتور میلر» وی را رها کرد و بدیال زن دیگری رفت که لافل بتواند حفظ شئون و شخصیت اجتماعی وی را بنماید.

بطوریکه شنیده شده «مریلین مونرو» از این پیش آمد سخت فضاخاک است و میگوید بهر ترتیبی شده «نگاتیف» های مزبور را از تهیه کننده فیلم مزبور بدست آورده مدموم سازد ولی تصور نیروم موقتی نصیبش گردد زیرا تهیه کنندگان فیلم های وی ابدا حاضر نیستند برای رگلام و پروپاگاندا فیلم های خود از عکس های معمولی «مونرو» استفاده کنند

شرق .. «گاری کوپر» هنرپیشه معروف و هنرمند امریکائی پس از مراجعت از تهران مازدم گردید تا در فیلم اخیرش که اوربا نیت (شرق) نامیده میشود بازی کند. این فیلم بکارگرانی «بیلی وایلدز»

تهیه خواهد شد و نقشهای مقابل مستر «کوپر» توسط «آدری هیبون» ستاره شهیر فیلم «شبی دردم» وهم چنین «مورس شوالیه» هنر پیشه معروف فرانسوی ایفایمیکرده، سوژه این فیلم بسیار جالب توجه است و دارای وقایع ویدی میباشد.

«آدری هیبون» در این فیلم در نقش دختر «مورس شوالیه» ظاهر خواهد شد و «گاری کوپر» بطوریکه خودش اظهار داشت در مقابل وی را ایفا میکند.

وی در معاصبه مطبوعاتی تهران گفت «آدری» گذشته از اینکه زیباست دارای استعداد خارق العاده ای در هنرپیشگی است و بهترین شاهد این ادعا نیز جایزه اسکاری است که برای اولین فیلش «شبی دردم» دریافت داشت و من از اینکه در فیلم «شرق» با وی همبازی هستم بی اندازه خوشحالم زیرا هنگام بازی کردن با او در صحنه هم کار من آسان است وهم کار کارگردان فیلم زبرا «هیبون» خود در کار خود خیره است و احتیاجی بدستور کارگردان ندارد.

فیلم «شرق» توسط کمپانی «آلاید آرتیست» تهیه می شود و توزیع کننده در اروپا کمپانی دیونایت آرتیست خواهد بود.

مضامین تازه كوگ

بقیه از صفحه ۴

ارتباط توفیق و مرگ! دو نفر دوست در راه آهن زیر زمینی مسکو با یکدیگر صحبت میکردند

اولی گفت: رفیق هیچ شنیده ای که کیس «ایوان» فوت کرده است؟

دومی با تعجب گفت: راست میگوئی من حتی شنیدم که چه وقت رفیق ایوان را توفیق کردند!

نقشه روزنامه .. در ریاست یکی از کشورهای اروپائی کارگری برای خرید به مغازه بزرگ شهر رفت، از فروشنده مغازه یک بالنوی بارانی خواست، فروشنده با کمال ادب گفت:

متأسفانه بالنوی بارانی تمام شده و موجود نداریم.

کارگر گفت: پس یک ژاکت پشمی بیاورید!

فروشنده گفت: متأسفانه ژاکت پشمی هم تمام شده.

کارگر خواست یک جفت جوراب و یک پیراهن بخرد ولی فروشنده آب باکی روی دستش ریخت و گفت هم جوراب هم پیراهن تمام شده است!

کارگر کاخا چون وضع را بدین ترتیب دید گفت:

خواهش میکنم یک شماره روزنامه بخرم.

فروشنده با کمال تعجب پرسید: روزنامه چرا؟ روزنامه که شما را گرم نمی کند!

کارگر گفت: در روزنامه ها راجع به اجناس پشمی و لباس های گرم کننده مغازه شما هم روزه اعلان های معصی درج

میشود و میخواهم با خواندن آن خود را گرم کنم!

جنگ و دغال یکی از اهالی آلمان شرقی بدوست خود امیدواری میداد که بانتصاب «دربلموتز» بوزارت جنگ آلمان شرقی جنگ بگلی از بین خواهد رفت

دوستش با کمال تعجب پرسید: از روی چه مدرک با این همه یلبیان چنین ادعائی میکنی؟

اولی جواب داد: خیلی ساده است! در بلوموتز در کابینه قبلی متصدی پست و وزارت دغال و واد سوختی بود

و در نوبه وزارت او دغالی درین پستی و لباس های گرم کننده مغازه شما هم روزه اعلان های معصی درج

میشود و میخواهم با خواندن آن خود را گرم کنم!

جنگ و دغال یکی از اهالی آلمان شرقی بدوست خود امیدواری میداد که بانتصاب «دربلموتز» بوزارت جنگ آلمان شرقی جنگ بگلی از بین خواهد رفت

دوستش با کمال تعجب پرسید: از روی چه مدرک با این همه یلبیان چنین ادعائی میکنی؟



این یکی از محصلین پزشکی است و دو سه سال بعد طبیب مخصوص قبیله خواهد شد

«میابانیک» دوسال پیش در سن ۲۷ سالگی بدرد زندگی گفت: وی یکسال قبل از اینکه بمیرد مرگ خود را پیش بینی کرده و روز و ساعت آن را معین نموده با اطلاع عموم رسانید و همانطوری که گفته بود در همان روز و ساعات معین بدون اینکه مریض باشد بدرود حیات گفت.

هم اکنون قبیله او مدعی هستند که هر وقت با مشکلی مواجه می شوند روحی در افراخوانده است و او می طلبد و با راهنمایی او مشکلات و معضلات خود را از بین میبرند!

ماجراجای عجیب طفلی که درس طببای میخواند!

«تومس فالر» در سال ۱۷۱۰ در قبیله «میس تیک» با برعصه وجود گذاشت.

وی چون طفل باهوشی بود در دوازده سالگی نامزد تحصیل در رشته طببای قبیله شد ولی هنوز دوسال از دوران تحصیل او سپری نشده بود که بوسیله تجار برده فروش برده شد.

برده فروشان فالر را شخصی دیگری فروختند و کودک بدیخت دست بدست میگشت تا اینکه به «ویرجینا» برده شد و در خانه یک دهاتی فروتنند بکار مشغول گشت.

سلسله حوادث وحشتناکی که بس او درآفریقای غربی، در یکی از قبایل معروف «نیجریا» یک دکتر جادوگر موسوم به «میابانیک اوکوی» بعدی مشهور شده و در طببای ماهر و خادق گشته بود که از اطراف او کتاف سایر قبائل شاکرداتی برای تحصیل نزد وی میفرسنادند تا در نزد استاد عالی مقام علم طببای را فراگیرد و سپس قبیله اش مراجعت کرده. بخدمت مشغول شود.

دکتر نامبرده پس از آنکه یکبار جنگ و دغال یکی از اهالی آلمان شرقی بدوست خود امیدواری میداد که بانتصاب «دربلموتز» بوزارت جنگ آلمان شرقی جنگ بگلی از بین خواهد رفت

دوستش با کمال تعجب پرسید: از روی چه مدرک با این همه یلبیان چنین ادعائی میکنی؟

اولی جواب داد: خیلی ساده است! در بلوموتز در کابینه قبلی متصدی پست و وزارت دغال و واد سوختی بود

و در نوبه وزارت او دغالی درین پستی و لباس های گرم کننده مغازه شما هم روزه اعلان های معصی درج

میشود و میخواهم با خواندن آن خود را گرم کنم!

جنگ و دغال یکی از اهالی آلمان شرقی بدوست خود امیدواری میداد که بانتصاب «دربلموتز» بوزارت جنگ آلمان شرقی جنگ بگلی از بین خواهد رفت

دوستش با کمال تعجب پرسید: از روی چه مدرک با این همه یلبیان چنین ادعائی میکنی؟

اولی جواب داد: خیلی ساده است! در بلوموتز در کابینه قبلی متصدی پست و وزارت دغال و واد سوختی بود

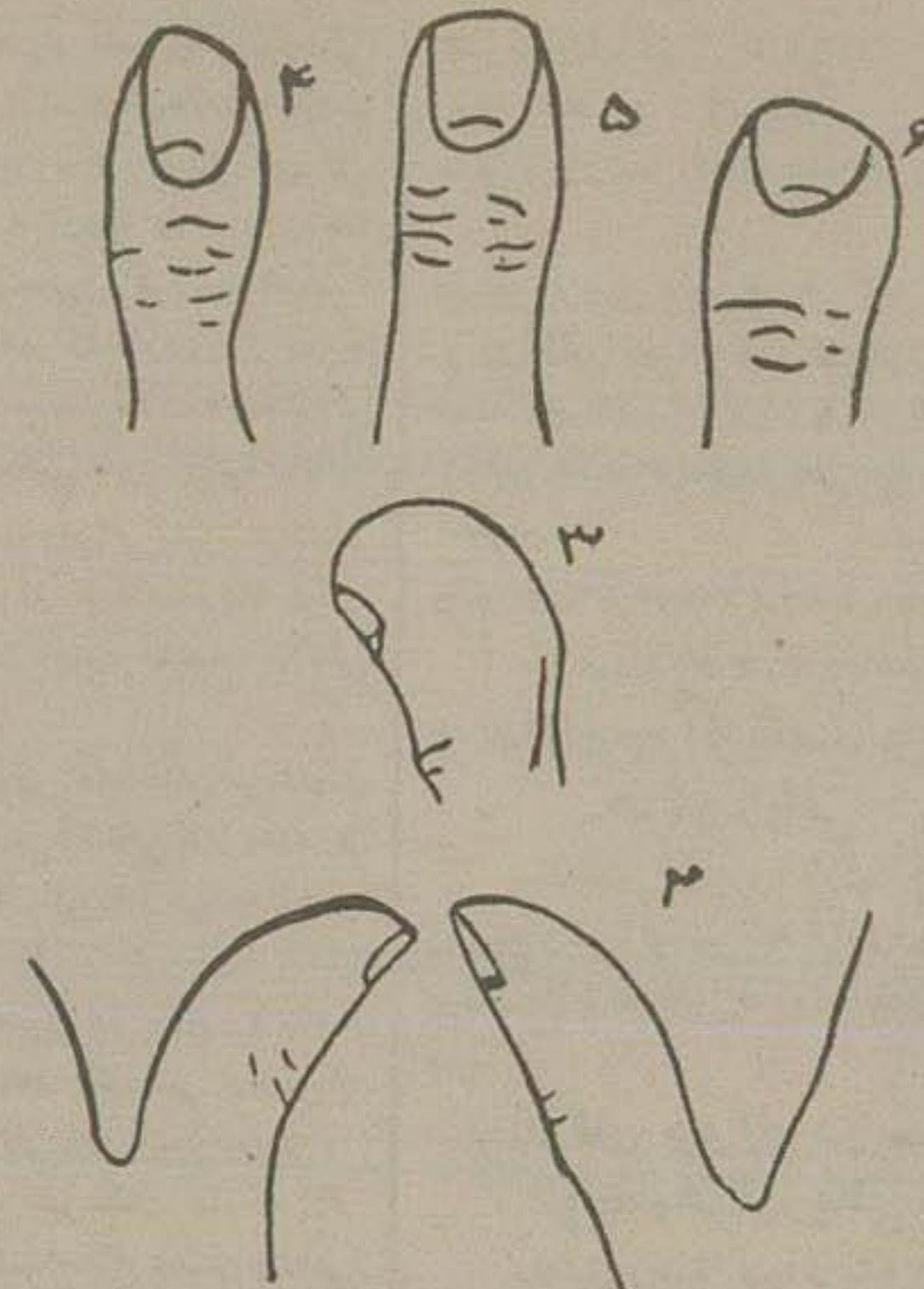
و در نوبه وزارت او دغالی درین پستی و لباس های گرم کننده مغازه شما هم روزه اعلان های معصی درج

میشود و میخواهم با خواندن آن خود را گرم کنم!

جدول جمعه

Table with 13 columns and 13 rows, likely a calendar or schedule for Friday.

دست را نشان بده ...



دست ابتدائی یا وحشی
دست مذکور خیلی کوتاه و کلفت بوده و انتهای دست آن ضخیم و بر...

دست چهار گوش
این نوع دست تقریباً به شکل مربع مستطیل بوده و خط انتهای میج...

دست مستقیم
این نوع دست کاملاً مستقیم بوده و نوک آن نیز مستقیم می باشد...

دست منحنی
دست های مذکور معمولاً نامنظم و خمیده می باشد. نوک انگشتان این...

دست ظریف
این نوع دست نازک و ظریف بوده و بخصوص وسط آن به زور درشتی...

دست راست
این نوع دست کاملاً راحت و کشیده بوده و صاحبان آن به زور درشتی...

دست منتهی
صاحبان این نوع دست کمیاب هستند و نقاشی و کارهای هنری عشق زیادی...

دست مخلوط
این دست مخلوطی و ترکیبی از دست مخلوطی و دست روانشناسی...

دست انباشته
عشق، عقل و شکر و نوع انگشتان نایبند عادات و صفات گوناگون می باشد و ولی...

مرض امتحان

روابط شاگرد و معلم را دوستانه ساخته و طرز تدریس را آسان نموده...

اشتباه دیگری که موجب نتایج وخیم امتحانات میشود، توجه مطلق به حافظه و غفلت از فهم درستی است...

دست خیمیده
این نوع دست مستخرج غیبی است و دارد نوک آن کاملاً منحنی و نوک نیز...

دست مستقیم
این نوع دست کاملاً مستقیم بوده و نوک آن نیز مستقیم می باشد...

دست ظریف
این نوع دست نازک و ظریف بوده و بخصوص وسط آن به زور درشتی...

دست راست
این نوع دست کاملاً راحت و کشیده بوده و صاحبان آن به زور درشتی...

دست منتهی
صاحبان این نوع دست کمیاب هستند و نقاشی و کارهای هنری عشق زیادی...

دست مخلوط
این دست مخلوطی و ترکیبی از دست مخلوطی و دست روانشناسی...

دست انباشته
عشق، عقل و شکر و نوع انگشتان نایبند عادات و صفات گوناگون می باشد...

دست انباشته
عشق، عقل و شکر و نوع انگشتان نایبند عادات و صفات گوناگون می باشد...

مرض رقص

اینها همه مبتلا بر رقص میباشند. علت - کرچه مورد وثبت در بیشتر در علت این بیماری دخالت میدهند...

این قبیل مبتلایان اخلاقشان متغیر و عصبانی است. ناراحتند - مضطرب هستند. این اطفال اگر شش بست...

درمان - اولاً بهمان دلیلی که این حرکات شب هنگام خواب و استراحت...

جولوگیری - برای جلوگیری و پیش گیری از بروز چنین رقص باید طفل...

دست خیمیده
این نوع دست مستخرج غیبی است و دارد نوک آن کاملاً منحنی و نوک نیز...

دست مستقیم
این نوع دست کاملاً مستقیم بوده و نوک آن نیز مستقیم می باشد...

دست ظریف
این نوع دست نازک و ظریف بوده و بخصوص وسط آن به زور درشتی...

دست راست
این نوع دست کاملاً راحت و کشیده بوده و صاحبان آن به زور درشتی...

دست منتهی
صاحبان این نوع دست کمیاب هستند و نقاشی و کارهای هنری عشق زیادی...

دست مخلوط
این دست مخلوطی و ترکیبی از دست مخلوطی و دست روانشناسی...

هموطنان عزیز



آگاه باشید حزب غیر قانونی و مغفور نموده که با دست عدّه یوون اداره میگردد هدفی جز مخالفت...

حسین الله مرید زاده
۸۸۶۲ - آ

اینجا بفرستید
اینجا بفرستید دادخواه شانسنامه ۳۵۶۴ تهران تاکنون و بسته با جواب غیر قانونی...

معاظت کرد و اگر غلام رمایسم در او مشاهده شد ناپدید نگردد که ممکن است با کوچکترین اهالی منجر بیماری رقی با عوارض آن شود.

آگهی مناقصه
شهرداری تهران عملیات نهر سازی و بی سازی آسفالتی خیابان های اطراف نهر کرج...

آگهی مناقصه
شهرداری تهران عملیات نهر سازی و بی سازی آسفالتی خیابان های اطراف نهر کرج...

آگهی مناقصه
شهرداری تهران عملیات نهر سازی و بی سازی آسفالتی خیابان های اطراف نهر کرج...

آگهی مناقصه
شهرداری تهران عملیات نهر سازی و بی سازی آسفالتی خیابان های اطراف نهر کرج...

یگندم بسیار مفید

از فرصت استفاده کرده و از آقای نخست وزیر سؤال کردیم...

آقای علاء گفتند یکی از مقدمات اساسی و بسیار خوب دولت سابق...

هنوز دریافت نکرده ام

در پایان از آقای علاء سؤال شد آیا فرمان تشکیل کابینه تاکنون...

تعیین روز ۵

آقای علم وزیر کشور وقتی از منظور خبر نگار ما آگاه شد...

به بازی تنیس دارم و مدت تپانود که بملت گرفتاری زیار از این ورزش محروم...

خوب بعد چکار کردید... بعد مدتی استراحت کردم و با همشهریها که هم اکنون هم در منزل هستند...

ناهار چه میل میفرمائید... ناهار را خارج از منزل صرف خواهم کرد و بعد از آن باز برای استراحت...

چلو کباب پیش... آقای دکتر اردلان وزیر امور خارجه گفت من چون خیلی به زن و بچه ام...

بعد از ناهار چکار میکنید؟... اول قدری استراحت - بعد مطالعه کتاب... البته اگر هم فصل شکار...

وقتی برسیدم به چه نوع کتابی علاقه مند هستید... لا بد میخواهید موضوع کتاب را هم برای من دست بگریزید...

ماجرای خورش بادهجان!... وزیر صنایع و معادن منزلش نبود - ناچار بمنزل یکی از دوستان...

میرخواهیم بر سریم امروز چکار میکنید؟... منندس کتبه ای نفسی راحت کشید و جواب داد:

چون خیلی خسته هستم و احتیاج با استراحت دارم از اینجا بمنزل خواهرم...

در شیران میروم که بخوابم... بشوخی با ایشان گفتیم: «حتماً ناهار را هم بگو باخورش بادهجان میل خواهید کرد»...

چی میگفتی آقا... من از دشمنان سرسخت بادهجان هستم حتی موقعیکه...

از آقای مهندس خدا حافظی کردیم و بی کار خود رفتیم... اما یک ساعت بعد از ظهر وقتی در اطاق هیئت تحریریه روزنامه مشغول نوشتن جریسان...

مهندس کتبه ای نفسی راحت کشید و جواب داد: «چون خیلی خسته هستم و احتیاج با استراحت دارم از اینجا بمنزل خواهرم...

در شیران میروم که بخوابم... بشوخی با ایشان گفتیم: «حتماً ناهار را هم بگو باخورش بادهجان میل خواهید کرد»...

چی میگفتی آقا... من از دشمنان سرسخت بادهجان هستم حتی موقعیکه...

از آقای مهندس خدا حافظی کردیم و بی کار خود رفتیم... اما یک ساعت بعد از ظهر وقتی در اطاق هیئت تحریریه روزنامه مشغول نوشتن جریسان...

مهندس کتبه ای نفسی راحت کشید و جواب داد: «چون خیلی خسته هستم و احتیاج با استراحت دارم از اینجا بمنزل خواهرم...

در شیران میروم که بخوابم... بشوخی با ایشان گفتیم: «حتماً ناهار را هم بگو باخورش بادهجان میل خواهید کرد»...

چی میگفتی آقا... من از دشمنان سرسخت بادهجان هستم حتی موقعیکه...

از آقای مهندس خدا حافظی کردیم و بی کار خود رفتیم... اما یک ساعت بعد از ظهر وقتی در اطاق هیئت تحریریه روزنامه مشغول نوشتن جریسان...

مهندس کتبه ای نفسی راحت کشید و جواب داد: «چون خیلی خسته هستم و احتیاج با استراحت دارم از اینجا بمنزل خواهرم...

در شیران میروم که بخوابم... بشوخی با ایشان گفتیم: «حتماً ناهار را هم بگو باخورش بادهجان میل خواهید کرد»...

چی میگفتی آقا... من از دشمنان سرسخت بادهجان هستم حتی موقعیکه...

از آقای مهندس خدا حافظی کردیم و بی کار خود رفتیم... اما یک ساعت بعد از ظهر وقتی در اطاق هیئت تحریریه روزنامه مشغول نوشتن جریسان...

مهندس کتبه ای نفسی راحت کشید و جواب داد: «چون خیلی خسته هستم و احتیاج با استراحت دارم از اینجا بمنزل خواهرم...

در شیران میروم که بخوابم... بشوخی با ایشان گفتیم: «حتماً ناهار را هم بگو باخورش بادهجان میل خواهید کرد»...

دو وزیر جدید در کابینه جدید

بقیه از صفحه ۱

آقای عباسقلی گلشایبان در سال ۲۸۱ شمسی در یک خانواده قاجار در تهران بدنیا آمد پدرش که از نواده های...

سپس به مدرسه آلیانس و پس از فراغت از آنجا به دارالفنون رفت و با گذر درجه لیسانس در حقوق نائل آمد...

آقای ناصری در سال ۱۳۰۲ متاهل شد و فقط یک دختر دارد که فعلا با شوهرش در اروپا بسر میبرد...

آقای عباسقلی گلشایبان در سال ۱۳۱۳ ازدواج کرده و اینک دو پس دارد که در دبیرستان البرز تحصیل میکنند...

در جواب خبر نگار ما که از مهمترین واقعه زندگی او پرسید، آقای وزیر دادگستری آئینه اظهار داشت:

مهمترین واقعه زندگی من مذاکرات نفت و قرارداد الحاقی بود که مورد حمله فاجوانان نراته قرار گرفت...

درین باره کتابی نوشته ام که اگر فرصتی دست داد منتشر خواهم کرد...

البته خوانندگان محترم استحضار دارند که در آخرین کابینه آقای ساعد...

که آقای گلشایبان وزارت دارایی را برعهده داشت، میسبونی برای مذاکره...

نفت بریاست آقای «کس» تهران آمد و در نتیجه مذاکراتیکه صورت گرفت...

«کس - گلشایبان» با مضامین رسیده که چون در آخرین لحظات عصر مجلس...

پانزدهم تقدیم شد عصر مجلس مزبور تصویب آن کلاف نداد و این قرارداد در مجلس شانزدهم رد شد...

در جواب خبر نگار ما که راجع بیکوئنگی اصلاح وضع اجتماعی پرسید، آقای گلشایبان گفت:

باید اول در تعیین فرهنگ کوشید و بجای دانشگاه، تعلیمات ابتدایی و متوسطه را هر چه بیشتر رواج داد...

تا بنیاد اصل نیم و امید و تشویق خادم و تنبیه خائن را مراعات نمود تا همه کس تکلیف خود را بداند.

و بخیال خود آنرا خطر ناگزین حیوانات میدانست هر چه دستش را به اینطرف و آنطرف تکان میدهند نمیتوانند...

ز یادوری با هم توام شدو بافتنشدن منزل که در کنار دستش بود...

محکم بر عتیکوب که در آنوقت روی فک تختانی پدرش رسیده بود میزد و با کشتن...

مجرور و الحظه ای بعد به بیمارستان بردند و فعلا تحت درمان است ولی احمدخان...

از داشتن چنین فرزند بی خود نفخر میکنند و عقیده دارد که این فرزند در آید پیری...

بهترین نگهبان و حافظوی خواهد بود! هر گور کرم بجای سر که شیره...

رحیمه باقری دختر آقای هاشم باقری اهل تاکستان قزوین بارچه فروش خیابان...

اسمعیل یزاز سر که شیره علاقه زیادی داشت و اصولا خانواده آنها در تمام...

مدت بهار و تابستان با ناهار خود سر که شیره میخوردند و رحیمه سر که...

شیره را بهترین غذای فصل میدانست بدینچه تا از یک هفته پیش بعلت جوش...

های فراوانی که در صورت رحیمه پیدا شده بود پدر و مادرش اورا از خوردن سر که شیره منع میکنند و...

ظهورها باوماست و غذاهای دیگری که با اصطلاح خودشان «خنکی» بود میدهند...

اما دیروز موقعیکه مادر رحیمه در آشپزخانه مشغول غذا بپختن بود...

مراسم قرعه کشی سال ۱۳۴۴ صندوق پس انداز ملی

بقیه از صفحه ۱

فردا دولت جدید دهه

بقیه از صفحه ۱

پس از معرفی هیئت دولت به پیشگاه مملوگاه، در جلسه علنی مجلس سنا حضور یافته و کابینه را با آن مجلس معرفی...

طرح برنامه دولت

برنامه دولت جدید، پس از آنکه بوسیله نخست وزیر در جلسه علنی مجلس قرائت شد برای طبع و توزیع بطبعه ارسال میگردد تا آنکه بعد از استیضاح چهار ساعت در مجلس علنی طرح شود...

کنگره استانداران در راه آهن

بقیه از صفحه ۱

خانلری در دفتر کار تیسار و سرلشکر انصاری وزیر راه در راه آهن تشکیل یافت تیسار و سرلشکر علوی مقدم رئیس شهربانی کل و آقای مننصر شهردار تهران...

در جلسه دیروز بترامون عمران و ساختمان راه و ریلگذاری راه آهن استانها مذاکراتی صورت گرفت و مقامات وزارت راه وعده تجماع کارهای عمرانی...

بطوریکه آقای بنی آدم استاندار مازندران بخیر نگار ما گفت مهمترین کاری که در کنگره استانداران برای مازندران انجام گرفت همان ساختمان...

آقای رام استاندار خراسان درباره مهمترین تصمیمی که برای عمران به نیشابور خواهد رسید...

مهمترین تصمیمی است که برای عمران استان خراسان گرفته شده است و در کنگره استانداران مذاکراتی برای تسریع در ریلگذاری آن انجام یافت...

در باره شهر سر بندر که در شمال بندر شاهپور واقع است گفته شد و از طرف وزارت راه اطلاع دادند که در این باره پروژهای تهیه شده و قراردادش...

درمحل شهر سر بندر، شهر مدنی ساخته شود بازرگانان و اهالی محل در این شهر مسکون کنند و بندر شاهپور فقط برای انجام کارهای بازرگانی اختصاص...

در ساعت یک بعد از ظهر جلسه کنگره خاتمه یافت آقایان استانداران ناهار را در سالن راه آهن صرف کردند.

از زمینهای کوی رضاییه خریداری فرمائید کوی رضاییه مجاور غربی کوی نارمک باورده مالکیت و آب قنات...

تهدید برق خیابانهای عریض منجر جدول بندی شده و دارای بازار دستان درماتکاه خطا تو بوسرانی برای ساختن وسکونت آماده میباشد برای اطلاعات...

بیشتر رجوع فرمائید لاله زار نو نزدیک میدان سبزه ۳۹۷۸ پنجاه گوشان پانهران نو ایستگاه سیمتری به فر و شگاه زمینهای کوی رضاییه...

زودتر اقدام بخراب کردن ساختمان و وضع شهرداری نماید و آنرا مجددا با سبک جدیدی بنا کند...

شهردار در این باره اضافه کرد خیلی دلم میخواهد که اصلاح شهرداری و اثابیه و اغلب آدمهای آنرا در هم بکومم و از نو بسازم ولی این کار...

سخت است. زیرا انوشیروان بزرگ کبیده ای از کارمندان دست زد تا کار را باید کارمند انجام دهد...

و کارمندان که با سیاست قدیم عادت کرده اند نمیتوانند با سیاست جدید کار کنند چون نمیشود این عده از کارمندان...

را جایگزین کرد باید ساخت و سوخت و با آنها کار کرد و چشم از خطاهای آنها پوشید.

مبارزه با گرفتاری شهرداری در خانه شهردار تهران بار دیگر اشاره بیستله مبارزه با گرفتاری شهرداری کرد و گفت:

هنوز عده ای اشتباه میکنند که شهرداری نرخ زمین می نماید در صورتیکه...

از ابتدای این روز ۲۹ فروردینماه که مبارزه با گرفتاری و احیای شده شهرداری فقط فروش را کنترل...

میکرد و کسانی را که گرانتر از نرخ میدان کلاهی خود امیر فروختند بیادگاه معرفی میکرد تا به مجازات برسد و این امر یعنی نظارت و کنترل در فروش و...

مبارزه با گرفتاری و احیای همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. آقای منتصر در راه کمی میدود...

گرانی در این فصل اظهار داشت که در سال جاری سال یکماه عقب افتاده است و سرما اغلب میوه ها را از بین برده و حتی در...

روزبیش در چند نقطه برف آمد در هر حال تا یکماه دیگر میوه زیاد و قیمت از آن در بازارهای تهران عرضه خواهد شد...

در باره وزن شلاق باید گفت که شهرداری در این مدت فقط دو نفر را...

بجکم دادگاه شلاق زد و شلاق زدن آنها بعلت گرفتاری بود بیکدیگر را عنوان...

اینکه شهرداری را تهدید کرده بود و دیگری را بعنوان مخفی کردن بورد و...

نصرت الله ابزیدی ۶۴۸۰ سنقر بهمن مخترع ۲۵۲۷ فسا بانو فروزنده اعتماد مقدم ۲۹۵۸ آبادان...

دوشیزه پروین رهبری ۱۸۰۶ نیاوند برندگان جوایز صد هزار ریالی محمد کاظم کلایی ۵۲۲۸ شهرضا...

دوشیزه ملیح الزمان شریعتی ۳۰۰۴ اصفهان شد در وزارت دارایی نیز عهده دار مقامات مختلف از جمله معاونت دکتر...

میلوسو و ریاست اداره عایدات داخلی گردیده است. سناتور فعلی خوزستان بزینبای...

فرانسه و انگلیسی آشنائی کامل دارد و مطالعات خود را باین دو زبان انجام داده است.

آقای ناصری در سال ۱۳۰۲ متاهل شد و فقط یک دختر دارد که فعلا با شوهرش در اروپا بسر میبرد...

در جواب خبر نگار ما که از مهمترین واقعه زندگی او پرسید، آقای وزیر دادگستری آئینه اظهار داشت:

مهمترین واقعه زندگی من مذاکرات نفت و قرارداد الحاقی بود که مورد حمله فاجوانان نراته قرار گرفت...

«کس - گلشایبان» با مضامین رسیده که چون در آخرین لحظات عصر مجلس...

پانزدهم تقدیم شد عصر مجلس مزبور تصویب آن کلاف نداد و این قرارداد در مجلس شانزدهم رد شد...

در جواب خبر نگار ما که راجع بیکوئنگی اصلاح وضع اجتماعی پرسید، آقای گلشایبان گفت:

باید اول در تعیین فرهنگ کوشید و بجای دانشگاه، تعلیمات ابتدایی و متوسطه را هر چه بیشتر رواج داد...

تا بنیاد اصل نیم و امید و تشویق خادم و تنبیه خائن را مراعات نمود تا همه کس تکلیف خود را بداند.

و بخیال خود آنرا خطر ناگزین حیوانات میدانست هر چه دستش را به اینطرف و آنطرف تکان میدهند نمیتوانند...

ز یادوری با هم توام شدو بافتنشدن منزل که در کنار دستش بود...

محکم بر عتیکوب که در آنوقت روی فک تختانی پدرش رسیده بود میزد و با کشتن...

مجرور و الحظه ای بعد به بیمارستان بردند و فعلا تحت درمان است ولی احمدخان...

از داشتن چنین فرزند بی خود نفخر میکنند و عقیده دارد که این فرزند در آید پیری...

بهترین نگهبان و حافظوی خواهد بود! هر گور کرم بجای سر که شیره...

رحیمه باقری دختر آقای هاشم باقری اهل تاکستان قزوین بارچه فروش خیابان...

اسمعیل یزاز سر که شیره علاقه زیادی داشت و اصولا خانواده آنها در تمام...

مدت بهار و تابستان با ناهار خود سر که شیره میخوردند و رحیمه سر که...

شیره را بهترین غذای فصل میدانست بدینچه تا از یک هفته پیش بعلت جوش...

های فراوانی که در صورت رحیمه پیدا شده بود پدر و مادرش اورا از خوردن سر که شیره منع میکنند و...

ظهورها باوماست و غذاهای دیگری که با اصطلاح خودشان «خنکی» بود میدهند...

اما دیروز موقعیکه مادر رحیمه در آشپزخانه مشغول غذا بپختن بود...

محکم بر عتیکوب که در آنوقت روی فک تختانی پدرش رسیده بود میزد و با کشتن...

مجرور و الحظه ای بعد به بیمارستان بردند و فعلا تحت درمان است ولی احمدخان...

از داشتن چنین فرزند بی خود نفخر میکنند و عقیده دارد که این فرزند در آید پیری...

بهترین نگهبان و حافظوی خواهد بود! هر گور کرم بجای سر که شیره...

رحیمه باقری دختر آقای هاشم باقری اهل تاکستان قزوین بارچه فروش خیابان...

اسمعیل یزاز سر که شیره علاقه زیادی داشت و اصولا خانواده آنها در تمام...

مدت بهار و تابستان با ناهار خود سر که شیره میخوردند و رحیمه سر که...

شیره را بهترین غذای فصل میدانست بدینچه تا از یک هفته پیش بعلت جوش...

های فراوانی که در صورت رحیمه پیدا شده بود پدر و مادرش اورا از خوردن سر که شیره منع میکنند و...